

صلح‌آمیز هسته‌ای ایران

محمدصادق کوشکی^۱

مهدی بیژنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و هفتم - تابستان ۱۳۹۹

چکیده

مسئله هسته‌ای ایران یکی از موضوعات اصلی در تشدید تنش در روابط عربستان و ایران و آشکار شدن دشمنی‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. شاید بتوان گفت عربستان هیچ‌گاه تا این اندازه به‌صورت آشکار در مجامع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران موضع دشمنی‌اش را اتخاذ نکرده بود. پس از حمله نظامی امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در صدر اخبار رسانه‌ها و محافل سیاسی و بین‌المللی قرار گرفت، عربستان به‌صورت مستقل و در چهارچوب شورای همکاری خلیج فارس از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران (به اصطلاح خودشان برنامه اتمی) به‌شدت ابراز نارضایتی کرد. این کشور اقدامات ایران در این زمینه را نوعی «ماجرایوبی» تلقی کرده و حتی دخالت امریکا را برای مقابله با آنکه در نگاه آنها موازنه قدرت منطقه‌ای را بر هم زده، خواستار شد. عربستان حتی پس از ناکامی در ممانعت از شکل‌گیری توافق، لحظه‌ای در ناکارآمد نشان دادن آن درنگ نکرد. عادل الجبیر وزیر امور خارجه سابق این کشور در مخالفت با آن می‌گوید: «این توافق برای تغییر رفتار ایران کافی نیست». پرسش اصلی این است که چرا عربستان به این شدت با توافق برجام و فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مخالفت می‌کند؟ به نظر نویسندگان هرچند جمهوری اسلامی ایران در راهبردهای امنیتی خود عربستان را به‌عنوان دشمن تلقی نمی‌کند و به‌دنبال امنیتی کردن رابطه خود با آن کشور نیست، ولی نخبگان عربستان در حال حاضر به جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان «دشمن» نگاه می‌کنند. از این‌رو، به هرگونه تحرک از جانب این کشور واکنش نشان می‌دهند. فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای یکی از اقدامات جمهوری اسلامی ایران است که نخبگان عربستان آن را به‌عنوان «تهدیدی وجودی» برای خود تلقی کرده و اقدام به «امنیتی‌سازی» آن نموده‌اند. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی

عربستان؛ ایران؛ برجام؛ امنیتی‌سازی

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای گرایش غرب آسیا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

جمهوری اسلامی ایران و عربستان قبل از سرنگونی نظام پادشاهی در ایران به‌رغم وجود رقابت پنهان و آشکار، در بسیاری از موضوعات دیدگاه‌های مشترکی داشته و در مسائل منطقه‌ای کنار هم بوده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ابتدا عربستان سیاست احتیاط را در مقابل دولت انقلابی در پیش گرفته بود و هیئتی بلندپایه را برای تبریک پیروزی انقلاب اسلامی به ایران فرستاد. ملک خالد در اولین واکنش خود برپایی حکومت اسلامی در ایران را مقدمه نزدیکی و تفاهم هرچه بیشتر دو کشور خواند و فهد ولیعهد عربستان سعودی نیز بیان کرد: «برای رهبری انقلاب ایران احترام قائل است» (هوشی سادات، ۱۳۹۶: ۲۷۲). همچنین در مصاحبه‌ای (۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش) اظهار داشت: «ما در حال حاضر هیچ مسئله‌ای با ایران نداریم و گفت‌وگوها با مقامات ایرانی در سطوح عالی جریان دارد تا ما با یکدیگر هم صدا شویم» (شورمیچ، ۱۳۹۶: ۱۰۳). اما این تعارف‌ها دوامی نداشت و روابط دو کشور به‌مرور به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. تأسیس شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۱۹۸۱ توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌رهبری عربستان که در واقع واکنشی در مقابل انقلاب اسلامی بود (کاظمی، ۱۳۷۰: ۴۷)، کمک‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عربستان از عراق در جریان جنگ تحمیلی، قیام سلفی‌های تندرو و اشغال مسجدالحرام در ۱۴۰۰ هـ.ق، قیام شیعیان منطقه شرقی عربستان، در کنار حمایت ایران از جنبش‌های آزادی‌بخش در منطقه و جهان اسلام، برگزاری اولین حج همراه با برائت از مشرکان توسط حجاج ایرانی و... باعث تیرگی روابط این دو کشور شد.

پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران گام مؤثری در تجدید رابطه با عربستان بود. عربستان قبول قطعنامه از سوی ایران را یک اقدام شجاعانه خوانده و از آن استقبال کرد. در این شرایط، جبهه‌گیری رسانه‌ای عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران متوقف شد و فهد شخصاً اعلام کرد که با ایران اختلاف حل ناشدنی ندارد. به‌دنبال آن تهران نیز آمادگی خود را برای از سرگیری مذاکرات اعلام کرد (هوشی سادات، ۱۳۹۶: ۲۷۵). پس از آن، تجاوز عراق به کویت در ۱۳۶۹ و موضع ایران در این موضوع سبب شد تا کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان برای تجدید رابطه با جمهوری اسلامی ایران گرایش پیدا کنند. روند روبه‌رشد روابط دو کشور در دهه ۷۰ ادامه یافته و حتی تا مرحله بستن پیمان همکاری امنیتی پیش رفتند.

اما از اولین سال‌های قرن حاضر تاکنون روابط دو کشور به‌سوی تنش پیش رفت. در این برهه تحولاتی در فضای سیاسی منطقه پیش آمد که رویکرد دو کشور در مخالفت



یکدیگر بوده است؛ از جمله: سرنگونی دولت صدام حسین و تشکیل حکومتی با اکثریت شیعی در عراق، آغاز بیداری اسلامی و تحولات سوریه، یمن و بحرین، پیدایش تروریسم و شدت گرفتن درگیری‌های منطقه‌ای و طرح مسئله هسته‌ای ایران که از آن جمله هستند. مسئله هسته‌ای ایران، یکی از موضوعات اصلی در تشدید تنش در روابط عربستان و ایران و آشکار شدن دشمنی‌های آن کشور علیه ایران است. شاید بتوان گفت عربستان هیچ‌وقت تا این اندازه و آشکارا در مجامع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران موضع نگرفته بود. در این شرایط پرسشی به ذهن می‌آید که چرا عربستان این‌گونه علیه فعالیت هسته‌ای ایران موضع‌گیری کرده است؟

هدف نویسنده این است که «برداشت‌های^۱ بد نخبگان سیاسی عربستان» نسبت به جمهوری اسلامی ایران و تلقی آن به‌عنوان تهدید وجودی علیه عامل اصلی «مخالفت عربستان در مورد توافق برجام و فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران» را روشن نماید. عربستان، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان اصلی‌ترین تهدیدکننده امنیت خود می‌داند و به ائتلاف‌سازی علیه ایران می‌پردازد؛ هرچند تاکنون جنگ مستقیمی رخ نداده است ولی درگیری‌های این دو کشور موجب جنگ‌های نیابتی بین گروه‌های هم‌پیمان دو طرف در منطقه شده است. «عربستان حضور فعال ایران در مسائل منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه عربی را در قالب یک تهدید ایدئولوژیک و امنیتی می‌بیند که با جنبه‌های هژمونیک و ناسیونالیستی ترکیب شده است» (هوشی سادات، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

با نگاه بدبینانه نخبگان عربستان به ایران، برخی از تحلیلگران با اشاره به حمله پهبادی انصارالله یمن به تأسیسات نفتی آرامکو در منطقه ابقیق^۲ و خریص^۳ عربستان گفته‌اند که حتی اگر ایران مسئول شلیک موشک‌ها یا به پرواز درآوردن پهبادها هم نباشد، این حمله {به‌علت بدگمانی نخبگان عربستان به ایران} باعث می‌شود تنش‌ها در رویارویی بین ایران و عربستان شدت بگیرد (Lister, irdiplomacy, 1). مقام‌های جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از وجود این رفتار در نخبگان عربستان، اعلام می‌کنند که اگر «برداشت» مسئولان این کشور نسبت به ایران تغییر کند، تنش بین دو کشور پایان می‌یابد. محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای با خبرگزاری دانشجویان ایران در ۲۶ می ۲۰۱۶ ضمن اعلام آمادگی برای بهبود روابط دو کشور، می‌گوید: «لازمه رفع تنش در روابط ایران و عربستان تغییر رفتار مقام‌های عربستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد» (USIP, May 29, 2018).

1. Misconception
2. Abqaiq
3. Kurais

گفته‌های مقام‌های عربستان نشان‌دهنده این است که این کشور جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان «تهدید» علیه خود و دیگر کشورهای خلیج فارس می‌داند. فیصل بن‌فرحان وزیر امور خارجه عربستان در نشست خبری با عبداللطیف الزیانی دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس در ریاض می‌گوید: «تهدید ایرانی همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در بر می‌گیرد و نظام ایران باید قبل از دعوت به صلح رفتارش را تغییر دهد» (خبرگزاری مهر، ۱۹ آذر ۱۳۹۸).

با توجه به اینکه تصمیم‌ها از محاسبه‌های سیاست‌مداران تأثیر می‌گیرد، از این رو برداشتهای نخبگان سیاسی عربستان می‌تواند یکی از علل اصلی مخالفت آنها با برجام و فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و بروز تنش بین دو کشور باشد. اینکه نخبگان سیاسی عربستان جمهوری اسلامی ایران را چگونه می‌بیند؛ دوست، رقیب یا دشمن. مقاله حاضر به دنبال این است که به بررسی نقش نظام ادراکی نخبگان سیاسی عربستان در مخالفت آن کشور با فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بپردازد. برای تحلیل چگونگی تأثیر برداشتهای نخبگان عربستان در امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران از نظریه امنیتی‌سازی ویور بهره گرفته می‌شود.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات مقاله حاضر اسنادی (کتابخانه‌ای) است. با توجه به اهمیت برداشت (درک تهدید) توسط بازیگران بین‌المللی در نظریه امنیتی‌سازی، در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌شود به شناختی از برداشت نخبگان سیاسی عربستان نسبت به ایران دست زد. بهترین راه برای دستیابی به برداشتهای نخبگان سیاسی عربستان، رجوع به اظهارات آنها می‌باشد. با توجه به رویکرد سازه‌انگاره در نظریه امنیتی‌سازی، ایرادهای همیشگی مبنی بر اینکه سیاست بازیگران از هم متفاوت بوده و با استفاده از اظهاراتی که از بازیگران ارسال می‌شود و به نیت‌هایشان نمی‌توان پی برد از بین می‌رود. چون سازه‌انگاران اعتقاد دارند اظهارات بازیگران خود می‌تواند به‌عنوان واقعیت^۱ مورد استفاده قرار گیرد. در این نوشتار تلاش می‌گردد با مراجعه به بیانات نخبگان سیاسی عربستان نسبت به ایران، درک آنها را از تهدید یا عدم تهدید ایران بیابیم. زیرا این برداشتهای خود مبنای رفتار نخبگان عربستان (امنیتی‌سازی بازیگر تهدیدکننده) می‌باشد. این برداشتهای از طریق کتاب، مقالات، روزنامه‌ها، مجلات، اسناد و... در کتابخانه‌ها و نیز پایگاه‌های معتبر در فضای مجازی دریافت و تجزیه و تحلیل می‌گردد.

1. Fact



نوشته‌های گوناگونی در داخل و خارج از ایران در خصوص روابط ایران و عربستان وجود دارد. از جمله کتاب «ایران، عربستان و تحولات سوریه» نوشته حمید همت و مقالاتی مانند «مؤلفه هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران» محمد منصوری مقدم، «بررسی علل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان» علیرضا ازغندی و مهدی آقا علیخانی، «تحلیل روابط ایران و عربستان از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی» هادی صادقی اول، «تأثیر علایق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا» محمدرضا حافظ‌نیا، «تأثیر ساختارهای ذهنی و انگاره‌های مقامات رسمی ایران و عربستان بر روابط دو کشور» گارینه کشیشیان سیرکی و عباس خسروی یکتا، «بحران یمن در زمینه منطقه‌ای» امیر سجادی و «ژئوپلیتیک ورای جنگ یمن» مهدی داریوش ناظم الرعایا.

برخی از این نوشته‌ها تنش در روابط ایران و عربستان را به صورت ویژه بررسی کرده‌اند. اغلب این پژوهش‌ها، تقابل منافع ژئوپلیتیک، وجود اختلافات ایدئولوژیک و مذهبی و دخالت قدرت‌های خارجی را در پیدایش تنش در روابط دو کشور مؤثر دانسته‌اند. علی‌دوبران در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «بررسی تأثیر دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان» تلاش کرده است روابط دو کشور را با محوریت فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تحلیل کند. در این پایان‌نامه به بررسی روابط دو کشور تا شکل‌گیری برجام پرداخته شده است.

نظریه امنیتی‌سازی^۱

مکتب کپنهاگ متأثر از برداشت نظامی - سیاسی - سنتی از امنیت، مفهوم «بقا» را کلید اصلی درک مسائل امنیتی می‌داند. در این چهارچوب، امنیت به بقا باز می‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون «تهدید اساسی» برای یک موجود (که سنتاً، نه لزوماً، دولت متشکل از حکومت، سرزمین و جامعه است) جلوه می‌کند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶ - ۴۵). «تهدید وجودی^۲» می‌تواند

1. Securitization
2. Existential Threat

تهدید وجودی در کنار منافع وجودی معنا می‌یابد. منافع وجودی آن دسته از ارزش‌هایی هستند که بقای یک کشور به آن بستگی دارد و بدون آنها موجودیت آن تهدید می‌گردد. این نوع منافع غیرقابل مذاکره هستند و برای تأمین آنها در صورت نیاز حتی ممکن است به قوه قهریه نیز متوسل شد. منافع دفاعی، امنیتی و حفظ نظام سیاسی در این گروه قرار می‌گیرند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

هر چیزی که بقای موجود را به خطر می‌اندازد باشد. در واقع، تهدید وجودی مصداق چندان مشخصی ندارد و تنها در ارتباط با هدف مرجع^۱ مشخص می‌شود. هدف مرجع چیزی است که بقای آن فرضی است ضروری که باید حفظ شود (Waever, 2003:11). یعنی وقتی مسئله به‌عنوان تهدیدی وجودی بر ضدهدف مرجع نمایش داده می‌شود، به این معنا می‌باشد که موجودیت موضوع در خطر است؛ به طوری که اگر به این مسئله نپردازیم، پرداختن به هر امر دیگری بی‌مورد خواهد بود؛ زیرا دیگر وجود نخواهیم داشت یا آزاد نخواهیم بود آن طور که می‌خواهیم با آن برخورد کنیم (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۰).

بازیگران مقابل تهدیدهای وجودی به دو صورت دست به امنیتی‌سازی می‌زنند: امنیتی ساختن موقتی و نهادینه شده. اگر یک نوع تهدید وجودی به صورت مستمر وجود داشته باشد و به دنبالش ضرورتی ایجاد کند، در این حالت امنیتی‌ساختن نهادینه می‌شود. این وضعیت بیشتر در بخش نظامی دیده می‌شود که دولت‌ها با تهدیدهای همیشگی روبه‌رو هستند و در پاسخ به آن دستگاه‌های راداری، روندها و تشکیلات نظامی منظمی را برای مقابله با چنین تهدیدهایی به وجود آورده‌اند. اما اگر پدیده‌ای تبدیل به تهدید وجودی شود که در گذشته ریشه نداشته یا در یک فرایند زمانی طولانی و پیوسته تکرار نشود، چنین چیزی بیشتر موقتی است و امنیتی‌ساختن آنها نیز موقتی خواهد بود (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۵۰۲ و ۵۰۱).

امنیتی‌ساختن به مفهوم خروج مسائل از حوزه سیاسی و ورود آنها به حوزه امنیتی است. ویور معتقد است که امنیتی‌ساختن بر اساس مفهوم اقدام گفتاری شکل می‌گیرد. امنیت مفهومی مبتنی بر زبان می‌باشد و صرفاً پس از اظهارشدن به وجود می‌آید. امنیتی‌شدن موضوع لزوماً ربطی به وجود تهدید حقیقی ندارد و می‌تواند از معرفی آن موضوع به‌عنوان تهدید نشئت گیرد. چنانچه بازیگر امنیتی‌ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب وی نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است. بنابراین، آنچه در این میان نقش دارد، ذهن، ادراک، نگرش بازیگر و مخاطب می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۴۹۴). در مکتب کپنهاگ، هیچ مسئله‌ای از اساس معضل امنیتی نیست، زیرا امنیت عاملی زبانی به شمار می‌رود. ویور در این زمینه می‌گوید که خطر به صورت بالقوه در جایی وجود ندارد، بلکه این نخبگان سیاسی هستند که از آن استفاده ابزاری می‌کنند (نادسن، ۱۳۸۶: ۱۰۳). بوزان معتقد است که امنیت، امری بین‌ذهنی است و نقطه آغاز یک مسئله امنیتی به تصمیم بازیگران بستگی دارد. امنیت موضوعی است که در اجتماع شناخته می‌شود. زیرا بازیگران می‌توانند به برخی پدیده‌ها به‌عنوان تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار کنند که از



الزامات آن پیروی کنند. بنابراین می‌توان گفت که ادراک‌های انسان به‌عنوان کوچکترین واحد تشکیل‌دهندهٔ اجتماع در تفسیر، توضیح و تبیین مفهوم امنیت نقش کلیدی دارد (نوربان، ۱۳۸۷: ۸۶).

ویژگی بیناذهنی بودن تهدید و امنیت به این موضوع اشاره دارد که مفهوم امنیت، میان ارتباط بازیگر امنیتی‌ساز و مخاطب او ساخته می‌شود. به‌عبارت دیگر، بازیگر امنیتی‌ساز، پدیده‌ای را امنیتی می‌کند و مخاطب وی آن را می‌پذیرد و بدین صورت پدیدهٔ «امنیتی‌سازی» کامل می‌شود. مفهوم «امنیتی‌ساختن» در حوزهٔ مطالعات امنیتی برای اولین بار توسط مکتب کپنهاگ و به‌ویژه شخص ویور برای تشریح یک نظریهٔ امنیتی جدید به کار گرفته شد. ویور در نظریهٔ خود امنیتی‌سازی را این‌گونه تشریح می‌کند: «امنیتی‌ساختن به‌معنای خارج کردن پدیده‌ها از حوزهٔ سیاست‌های عادی^۱ یا سیاست‌های عمومی^۲ و وارد کردن آنها به حوزهٔ امنیتی است» (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۹).

امنیتی‌سازی روندی است که طی آن یک بازیگر، مسئله یا پویش یا بازیگر خاصی را به‌عنوان «تهدید وجودی» برای مرجع خاص اعلام می‌کند. اگر مخاطبان این اعلام، آن را بپذیرند، این امکان فراهم می‌شود که سیاست عادی به حالت تعلیق درآید و در پاسخ به این بحران احساس شده، اقدامات اضطراری در پیش گرفته شود (Waever, 1995: 57). زمانی یک امر به موضوعی امنیتی تبدیل می‌شود که مانند تهدیدی اساسی برای یک موجود جلوه کند و توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آنها موجه سازد (بوزان، ویور، دووید، ۱۳۸۶: ۴۶).

برداشت (ادراک)

سیککینک کی^۳: اینکه دانشمندان زندگی خود را در تولید و فهم تصورات سپری می‌کنند و باید اهمیت آنها را در زندگی سیاسی بسیار کوچک بشمارند، امری متناقض است (های، ۱۳۸۵: ۳۲۸).

«ادراک» فرایند دریافت موضوع از طریق احساسات، عقل و تفسیر آن است. روانشناسان ادراک را نوعی از هشیاری یکپارچهٔ حاصل از مجموعه‌ای از فرایندهای حسی و در واکنش به یک محرک تلقی می‌کنند. ادراک مبنای فهم، یادگیری، دانش و یک انگیزهٔ اساسی برای کنش است. این بین و در میانهٔ فرایند ادراک، وضعیت احساسی و پردازش اطلاعات، الگو و خصیصه‌های استنتاج فرد حائز اهمیت و تأثیرگذار است. مجموعهٔ

1. Normal Politics
2. Public Politics
3. Kathryn SikkinK; The professor of Harvard University



ادراک‌های فردی به شکل مؤثر می‌تواند به تعریف یک وضعیت ادراکی جمعی منجر شود. از این دیدگاه می‌توان گفت در تعاملات میان دولت‌ها نیز، ادراک یک بازیگر از بازیگران دیگر به‌عنوان دوست، رقیب یا دشمن یک سازه اجتماعی است که حاصل تعامل عمومی و خصوصی افراد، متخصصان، نخبگان سیاسی و تصمیم‌سازان سیاسی دولت‌ها است.

در اهمیت نظام ادراکی تصمیم‌گیرندگان در سیاست‌گذاری‌ها، همین که نخبگان سیاسی یک کشور بر اساس نظام ادراکی خود جهان را تفسیر و سپس مبادرت به تصمیم می‌کنند کافی است. اساساً جهان خارج آن چیزی است که در ذهن انسان‌ها نقش می‌بندد. انسان‌ها جهان خارج را از فیلتر نظام ادراکی خود می‌گذرانند و تصویرهای متفاوتی از جهان خارج و پدیده‌های آن در ادراک آنها شکل می‌گیرد. شاید به‌نوعی اختلافات افراد و جوامع را بتوان در تفاوت در ادراک از محیط دانست. با این نگاه است که برخی صاحب‌نظران معتقدند اگر تصمیم‌گیران و سیاست‌مداران اروپایی پیش از جنگ جهانی تهدید هیتلر را درک کرده و بر اساس آن تصمیمات پیشگیرانه در مقابل آن اتخاذ می‌کردند، شاید جنگ جهانی دوم هرگز رخ نمی‌داد. نباید فراموش کرد برداشت‌ها و ادراک‌های از محیط ضرورتاً همان چیزی نیست که در جهان خارج هست؛ بلکه ممکن است بهره‌ای از آن داشته یا از آن فاصله بسیار داشته باشد.

ساختار و اهداف سیاست خارجی عربستان

نهادها و اشخاص ذیل در سیاست خارجی عربستان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش دارند:

۱. پادشاه ۲. ولیعهد ۳. شاهزادگان ۴. مجلس خانوادگی شیوخ ۵. هیئت وزیران
۶. مجلس مشورتی ۷. گروه‌های ذی‌نفوذ از جمله علمای مذهبی، بنیادهای دینی تبلیغی، مدارس علوم دینی وهابی و مساجد مهم (3: Champion, 1999).

«سلطه خاندان حاکم سعودی بر سیاست خارجی این کشور بدین معنی است که فرایند سیاست‌گذاری از خطوط کلی عقلانی و بوروکراتیک روشن و مرتبی پیروی نمی‌کند. مثلاً باور کلی بر آن است که هریک از شاهزادگان ارشد مسئولیت‌های ویژه‌ای برای روابط با یک کشور خاص دارند. نوعی شناوری در این فرایند تصمیم‌گیری وجود دارد که بیشتر بستگی به پویایی در سیاست درون‌خاندانی دارد تا خطوط بوروکراتیک مربوط به مسئولیت‌های تعریف شده (هینه بوش و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷۱). بدون تردید، این ساختار قبیله‌ای پیشامدرن خود در درک تهدید دارای الزامات ویژه خود می‌باشد که شاید با منافع مردم آن کشور نیز هم‌ساز نباشد و منجر به ناامنی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی گردد.



«در خاندان سعودی مهمترین امر پایداری و تسلط این قبیله به هر قیمت در پادشاهی عربستان است. سیاست‌هایی برای این کشور مفید است که در خدمت خاندان سعود باشد و به همان گونه تهدیدی جدی تلقی خواهد شد که متوجه این خانواده باشد» (آقایی، ۱۳۹۴: ۵۸).

بنا به گفته گریگوری گاس استاد دانشگاه ورمونت و کارشناس مسائل خلیج فارس «اول و قبل از هر چیز، امنیت داخلی رژیم، هدف اصلی و دائمی حکومت سعودی است» (Gause III, 2002: 208).

«تضمین ثبات و امنیت داخلی رژیم آل سعود» مهمترین هدف در میان اهداف سیاست خارجی عربستان است. ملاحظات مربوط به امنیت داخلی همواره در جهت‌دهی سیاست خارجی عربستان بسیار مهم بوده است» (Niblock, 2006:111).

راهبردهای سیاست خارجی عربستان

عربستان در راستای ملاحظات امنیتی خود در دوره‌های مختلف راهبردهای ویژه‌ای را در سطوح مختلف به‌کار گرفته کرده است:

۱. در سطح بین‌الملل عربستان از اتحاد با قدرتهای جهانی برای تهدیدات امنیتی خود به‌خوبی بهره برده و اکنون نیز متحد راهبردی امریکا است.
۲. در سطح منطقه‌ای به‌دنبال موازنه قوا در میان همسایگان بزرگتر و قدرتمندتر خویش است.

به‌طور کلی، عربستان سیاست خارجی‌اش را در سطح بین‌المللی تحت‌تأثیر اتحاد راهبردی با امریکا شکل داده و در سطح منطقه غرب‌آسیا و خلیج فارس، به انجام یک بازی موازنه قوا میان همسایگان بزرگتر و قدرتمندتر پرداخته است. ضمن آنکه این کشور در سطح شبه‌جزیره عربستان نیز در ایفای نقش همسایه مسلط مقابل یمن و پادشاهی‌های کوچکتر اقدام کرده است (هینه بوش و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵۱). در ذیل به راهبردهای سیاست خارجی این کشور در سطوح مختلف پرداخته می‌شود.

– اتحاد با امریکا (سطح بین‌الملل)

«سعودی‌ها امریکا را به‌عنوان یک موازنه‌گر در مقابل نفوذ منطقه‌ای بریتانیا تلقی می‌کردند (94 - 92: Wilson and Graham, 1994; 197 - 196: Wynbrandt, 2004). چرخش سیاست خارجی عربستان از متحد پیشین دولت انگلستان به امریکا و همچنین فرازونشیب‌های موجود در روابط دو متحد جدید حاکی از حاکم بودن رویکردی واقع‌گرایانه بر سیاست خارجی خاندان سعود بوده است. این رویکرد ناشی از نبود پایگاه مردمی برای



رژیم سعودی می‌باشد. این کشور مانند بسیاری از کشورهای منطقه فاقد مشروعیت سیاسی و پایگاه مردمی است و برای جبران این کاستی در پی نزدیکی هرچه بیشتر به غرب و جلب حمایت دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا می‌باشد. در هر صورت، «یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان روابط با واشنگتن بوده و هست و این کشور اغلب تحت تأثیر اولویت‌های متحد راهبردی خود، سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کند» (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۷۲).

به‌طور کلی، ادراک کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از منابع تهدید و راهبرد تأمین امنیت با ادراک جمهوری اسلامی ایران متفاوت می‌باشد. ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی را تهدید اصلی برای امنیت خود می‌داند، در حالی که عرب‌های حاشیه خلیج فارس، متحد آمریکا بوده و در مقابل، ایران و ایدئولوژی انقلابی آن را به‌عنوان مهمترین نگرانی امنیتی خود مطرح می‌کنند و بنابراین، آنها اتحاد با آمریکا و به‌طور کلی غرب را برای محافظت از منافع امنیتی خود یک ضرورت می‌دانند، در حالی که ایران به‌دنبال خروج آمریکا از منطقه است. بنابراین تا زمانی که روابط آمریکا با ایران خصمانه باقی بماند، هیچ‌گونه نزدیکی حقیقی از سوی کشورهای عربی به ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. احتمال اینکه کشورهای عربی منطقه در پی بهبود روابط ایران و آمریکا برآیند هم بسیار کم است (هانتز، ۱۳۹۸، ۱۳ خرداد).

لازم به ذکر است که ایران نیز عربستان را وابسته به آمریکا - دشمن اصلی خود - می‌داند و همواره «در پی جدا کردن آمریکا از کشورهای عربی است» (پولاک، ۱۳۸۹: ۱). آقای ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن بیان اینکه: «ایران هیچ مشکلی درباره مذاکره با عربستان درباره امنیت منطقه ندارد و آنها نباید جزئی از ائتلاف ضدایران بوده و کشور ما نیز بخشی از ائتلاف ضدعربستان نخواهد بود. باید موضوعات فی‌مابین خود را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل کنیم»، می‌گوید: «متأسفانه عربستان تنها به آمریکا اتکا دارند» (عصر ایران، ۱۲ شهریور ماه ۱۳۹۸).

- توازن قدرت (منطقه‌ای)

«دولت‌های عرب به‌هنگام تصمیم‌گیری درباره چگونگی پاسخ دادن به تهدیدها، برای برخی اشکال آن اولویت بیشتری قائل می‌شوند. تهدیدهایی که ثبات داخلی یک کشور را به خطر می‌اندازد چشمگیرتر و مهمتر از تهدیدهایی هستند که صرفاً شامل امور خارجی می‌شوند. نتیجه آنکه رهبران کشورهای غرب آسیا در برابر دولتی که بیشترین خصومت را نسبت به رژیم‌های آنها ابراز می‌دارد، فارغ از مجاورت یا قدرتش دست به موازنه می‌زنند» (فاست، ۱۳۹۶: ۴۰). استفان والت بر این است که «کشورهای عربی فارغ از ادعاها درمورد



وحدتشان، تلاش‌های هماهنگ یک دولت یا دیگری برای اعمال رهبری در مسائل درون جهان عرب و حضور رژیم صهیونیستی به‌مثابه یک دشمن مشترک را غالباً در جهت بازداشتن هر کشوری از دستیابی به موقعیت مسلط در امور منطقه دانسته و در این مسیر گام بر می‌دارند. در این راستا، معیارهای عینی قدرت نسبت به انگاره سیالتر «تهدید» در تعیین کم‌وکیف تعامل دولت‌های خاورمیانه‌ای تأثیر کمتری دارد (فراست، ۱۳۹۶: ۳۹).

از جمله این کشورها در منطقه غرب آسیا عربستان می‌باشد. این کشور از آنجا که «از نظر نظام دولتی ضعیف می‌باشد، تلاش می‌کند استقلال و امنیت خود را از طریق جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای حفظ کند (هینه بوش و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵۷). آشکار است که ریشه تعامل در این الگو شوق به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیست، بلکه نگرانی از فنا و تهدید متقابل است که عنصر اصلی این موضوع بازدارندگی است. بازدارندگی مقدمات شرایط و ابزاری است که بدون به‌کارگیری زور نظامی، دشمن را از ورود به عرصه مورد نزاع منصرف کند (سیاری، ۱۳۸۸: ۱۴).

– درک ایران به‌عنوان تهدید وجودی (دشمن)

همان‌گونه که پیشتر به آن اشاره شد، طی فرایند امنیتی‌سازی یک بازیگر، مسئله یا پوشش یا بازیگر خاصی را به‌عنوان «تهدید وجودی» برای هدف مرجع خاص اعلام می‌کند. آنچه در این میان نقش دارد، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب می‌باشد و ادراک‌های هریک از نخبگان سیاسی به‌عنوان کوچکترین واحد تشکیل‌دهنده اجتماع در تفسیر، توضیح و تبیین مفهوم امنیت نقش کلیدی دارد. بازیگران می‌توانند برخی پدیده‌ها را به‌عنوان تهدید تعریف کنند و دیگران را وادار به پیروی از آن الزامات کنند.

برداشت نخبگان عربستان این است که در شرایط جدید موازنه منطقه‌ای به‌گونه‌ای دگرگون شده که، در صورت تداوم حیات این رژیم را از بین خواهد برد (پورحسن، ۱۳۹۴: ۲۹). عربستان تحرکات طبیعی منطقه‌ای ایران را مداخله در امور داخلی کشورهای عربی و برهم‌زننده ثبات و امنیت منطقه‌ای تلقی کرده و خواهان تغییر سیاست‌های منطقه‌ای ایران می‌باشد. ریاض در فضای راهبردی متحول غرب آسیا، افزایش قدرت (عینی و ذهنی) ایران را بزرگترین چالش و تهدید در برابر امنیت ملی و جایگاه منطقه‌ای خود می‌داند و در نتیجه، ضلع اصلی سیاست خارجی خود را در دوره جدید، در تضاد با سیاست و نفوذ منطقه‌ای ایران و تلاش برای تضعیف آن متمرکز کرده است و پس از ۲۰۱۱ ریاض ده‌ها میلیارد دلار برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه تخصیص داد (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۱۳ به نقل از Bahout, 2016).

هینه بوش تحلیلگر امریکایی نیز در زمینه تلقی مقامات عربستان از ایران به‌عنوان



«تهدید» می‌گوید: «عربستان با تکیه بر منابع عظیم مالی و از طریق رسانه‌های عربی، ایران را به‌عنوان بزرگترین تهدید فرقه‌ای و مذهبی برای جهان عرب معرفی کرده است». بروس ریڈل یکی از پژوهشگران مؤسسه بروکینگز نیز در این زمینه می‌گوید: «در حال حاضر یکی از اهداف اصولی عربستان در سیاست خارجی مقابله با ایران است. عربستانی‌ها در منطقه ایران را تهدید اصلی خود می‌دانند و به‌سرعت از مقابله با ایران به‌سمت مقابله با شیعه‌گری در حرکت هستند. این مسئله عمیقاً ریشه در ایدئولوژی وهابیت دارد که در واقع، در ذهن آنها تهدید ایران و تهدید شیعه با هم تفاوتی ندارند» (Feltman, Jeffrey and others, 2019: 1).

این برداشت منفی از ایران را در اظهارات مقامات عربستان نیز به‌خوبی می‌توان دریافت. بیانات مقامات عربستان حاکی است که آنها ایران را به‌عنوان «دشمن» اصلی خود تلقی می‌نمایند. ترکی الفیصل رئیس پیشین سازمان اطلاعات این کشور در مصاحبه با روزنامه دی ولت آلمان گفت: «ایرانی‌ها چیزی که در باطن دارند را علنی نمی‌کنند و هدف نهایی آنها هدف قرار دادن عربستان و دیگر کشورهای خلیج (فارس) است. آنها به‌طور علنی گفتند که خواهان اماکن مقدس در مکه و مدینه هستند، من نمی‌دانم که چرا بعضی‌ها این مسئله را جدی نمی‌گیرند» (عصر ایران، ۱ آبان ۱۳۹۸).

یکی از مقام‌های ارشد عربستان پس از اعزام نیروهای پلیس ضدشورش این کشور به بحرین اظهار کرد: «جنگ سرد با ایران یک واقعیت است، این کشور در حال گسترش نفوذ خود است، بی‌ثباتی حاکم بر چند ماه گذشته موجب شد ما دیگر نتوانیم گوشه‌ای آسوده بنشینیم و تنها نظاره‌گر وقایع باشیم» (ندیمی، ۱۳۹۶).

محمدبن‌سلمان در دیدار با یک هیئت از مسیحیان صهیونیست در امریکا، گفت: «نمی‌توانم اجازه دهم این موضوع جلوی اصلاحاتی را که می‌خواهیم در عربستان انجام دهیم و حفاظت از سعودی در برابر دشمنان ایران، اخوان المسلمین، القاعده و داعش را بگیرد» (تابناک، ۱۸ آبان ۱۳۹۸).

الجبیر در مصاحبه با شبکه خبری فاکس نیوز در مهرماه ۱۳۹۸ با تکرار اتهامات درباره دست‌داشتن ایران در بی‌ثبات کردن منطقه و حمله به عربستان گفت: «رفتار ایران باید متوقف شود. آنها به سفارتخانه‌های ما حمله کرده و سعی در مختل کردن مناسک حج داشتند. آنها تعدادی از دیپلمات‌های ما را ترور کرده، اقدام به تأسیس شبکه‌های تروریستی در عربستان نمودند، پایگاه الخَبَر را منفجر کردند که لیست این قبیل اقدامات آنها را می‌توان همچنان برشمرد. تاریخ ۴۰ سال گذشته ایران به‌ویژه علیه کشور من تهاجمی بوده است. مماشات با ایران فقط به رفتارهای پرخاشگرائه این کشور دامن زده است». وی در



این مصاحبه خطاب به کشورهای غربی می‌گوید: «ما نمی‌توانیم با کشوری رابطه عادی داشته باشیم که به دنبال نابودی کشور من و دیگر کشورهای منطقه است. این وضعیت نمی‌تواند دوام داشته باشد و باید پایان یابد (sputnik international, 29.09.2019).

پس از سفر عادل عبدالمهدی و انتشار اخباری مبنی بر اینکه سخن‌گوی دولت ایران گفته است که پیام‌هایی از عربستان جهت کاهش تنش دریافت شد، الجبیر وزیر مشاور در امور خارجی عربستان بیان می‌کند: «کاهش تنش باید از سوی طرفی انجام شود که با فعالیت‌های خصمانه‌اش موجب ایجاد هرج‌ومرج در منطقه شده است. موضع عربستان را بار دیگر اینجا اعلام می‌کنم تا شاید بشنوند؛ حمایت‌هایتان از تروریسم، ایجاد هرج‌ومرج و ویرانی، دخالت در امور داخلی کشورهای عربی، گسترش سلاح کشتار دسته‌جمعی و همچنین برنامه موشک‌های بالستیک خود را متوقف کنید. مانند یک کشور عادی رفتار کنید نه مانند یک کشور متجاوز حامی تروریسم» (عصر ایران، ۹۸/۷/۱۰). «این کشور از دنباله‌روهای خود حمایت تسلیحاتی و موشکی می‌کند تا فرزندان یمن، امنیت عربستان و منطقه را مورد هدف قرار دهند و سیاست نظام توسعه‌طلب ایران سیطره بر کشورهای عربی از طریق شبه‌نظامیان وابسته به خود است» (عصر ایران، ۹۸/۷/۱۰).

ترکی المالکی سخنگوی ائتلاف عربستان نیز پرتاب این موشک (به فرودگاه ملک خالد ریاض) از سوی یمنی‌ها به فرودگاه ملک خالد ریاض را «تعرض مستقیم نظامی» توسط ایران تلقی کرده و می‌گوید: «... ایران موشک‌های بالستیک، موشک‌انداز، پهپادهای حامل مواد منفجره و مین دریایی در اختیار شورشیان حوثی می‌گذارد. متخصصان ایرانی به حوثی‌ها کمک کرده‌اند که بخشی از توان موشک بالستیک را به استان صعده یمن منتقل کنند» (کرمی، ۱۳۹۸). عادل الجبیر وزیر مشاور در امور خارجه عربستان نیز در این رابطه گفت: «ایران موشک‌های بالستیک به حوثی‌ها می‌دهد که از آن علیه غیرنظامیان در یمن و عربستان استفاده کنند؛ این مسئله با قوانین بین‌المللی مغایر است و جامعه بین‌المللی نیز آن را می‌داند» (عصر ایران، ۲۷ فروردین ۱۳۹۸).

وزارت امور خارجه عربستان سه‌شنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶ فهرستی ۵۸ بندی علیه ایران منتشر کرد و مدعی شد ایران، حزب‌الله در لبنان، حزب‌الله در حجاز، عصاب اهل الحق در عراق و سازمان‌های دیگر و تعداد زیادی از شبه‌نظامیان طایفه‌ای در شماری از کشورها از جمله حوثی‌ها در یمن را تأسیس کرده است. نظام ایران باندها و شبه‌نظامیان تروریستی را در عراق، یمن و سایر کشورها ایجاد کرده تا از آنها برای از بین بردن امنیت و ثبات استفاده کند (عصر ایران، ۱۳۹۴/۱۱/۱).

چکیده نگاه نخبگان عربستان و دلایل تصور ایران به‌عنوان دشمن و تهدید وجودی



علیه آن کشور را می‌توان در بیانات التمامی نویسنده عربستانی دریافت. وی بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران به دلایل زیر تهدید راهبردی برای عربستان است: نخست، ایران خود را به‌عنوان قدرت برتر در خلیج فارس نشان داد. دوم، ایران می‌تواند جنگ و صلح را در منطقه غرب آسیا تعیین نماید و برخلاف عربستان توانایی کنترل بر حزب‌الله لبنان و روابط نزدیک با حماس و جهاد اسلامی در غزه را دارد. سوم، ایران بر سیاست‌های عراق بعد از سرنگونی صدام نفوذ دارد. چهارم، ایران برنامه‌های هسته‌ای دارد. لذا با تحکیم هژمونی ایران بر همسایگان عرب و تهدید راهبردی ایران، عربستان در تعارض و ترس جدی با ایران قرار گرفت (Altamamy, 2012: 146).

در مجموع، از نظر نخبگان عربستان، تهدیدهای پیش‌گفته از جانب جمهوری اسلامی ایران متوجه آن کشور می‌باشد. آنها با چنین برداشتی هر نوع تحرکی از جانب ایران را به عنوان تهدید وجودی علیه خود تلقی و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند. مقایسه - البته مع الفارق - مناسبات امریکا با انگلستان و روابط این کشور با کره شمالی در این رهگذر شاید بتواند به درک موضوع کمک کند. اگر انگلستان جنگ‌افزارهای هسته‌ای جدیدی تولید کند امریکا نگران این نیست که برای مقابله با این تحرک چه باید بکند. اما اگر کره شمالی در این راه گام بردارد امریکا بسیار نگران می‌شود و می‌کوشد که این کشور را از به دست آوردن این جنگ‌افزارها منصرف سازد یا برای حفاظت از خودش در برابر آنها سامانه‌های دفاعی ترتیب دهد. پیدا است این وضعیت از نوع پنداشت امریکا نسبت به انگلستان و کره شمالی نشئت می‌گیرد (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۴۹). از نظر امریکا، اولی «دوست» و دومی «دشمن» تلقی می‌شود. بدیهی است واکنش در مقابل دشمن (تهدیدکننده) همچون رابطه با «دوست» عادی نخواهد بود. همان طور که گفته شد «امنیتی‌ساختن به معنای خارج کردن پدیده‌ها از حوزه سیاست‌های عادی و وارد کردن آنها به حوزه امنیتی است. نخبگان عربستانی نیز با نگاه به ایران به‌عنوان تهدید وجودی به‌صورت طبیعی، به امنیتی‌سازی روابط با آن اقدام می‌نمایند. یکی از این زمینه‌ها موضوع فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران می‌باشد.

- امنیتی‌سازی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران

پرسشی که در این قسمت مطرح می‌باشد این است که آیا عربستان توانایی امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را دارد؟ با توجه به داده‌های ذیل می‌توان گفت که پاسخ مثبت می‌باشد. عربستان تمام تلاش خود را در پیش گرفته است که در این راه گام بردارد. شاید بتوان گفت مسئله هسته‌ای ایران یکی از موضوعات اصلی در تشدید تنش در روابط عربستان و ایران و آشکارشدن دشمنی‌های عربستان علیه



جمهوری اسلامی ایران داشته است. عربستان هیچ‌گاه تا این اندازه به‌صورت آشکار در مجامع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران موضع نگرفته بود. عربستان چند ماه پس از تهاجم نظامی امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در صدر اخبار رسانه‌ها و محافل سیاسی و بین‌المللی قرار گرفت، نه‌تنها به‌صورت مستقل بلکه در چهارچوب شورای همکاری خلیج فارس در مقاطع مختلف به موضع‌گیری پرداختند. عربستان در تمامی موضع‌گیری‌ها از برنامه اتمی ایران ابراز نارضایتی کرد و اقدامات ایران درمورد برنامه هسته‌ای را نوعی ماجراجویی دانسته، حتی خواستار دخالت امریکا در برابر خواست ایران (فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز) که موازنه قدرت را در منطقه بر هم زده است شد.

عربستان در کنار رژیم غاصب صهیونیستی تلاش‌های فراوانی کردند تا مذاکرات هسته‌ای ایران به نتیجه نرسد؛ در روزهایی که ایران و گروه ۵+۱ در حال مذاکره برای رسیدن به توافق هسته‌ای بودند. عربستان سعود الفیصل، وزیر امور خارجه وقت خود را فرستاد تا با جان کری وزیر امور خارجه وقت امریکا ملاقات کند. آن دو سه ساعت در هواپیمایی که به سمت فرودگاه وین می‌رفت تا کری مذاکرات خود را با همتای ایرانی خود در وین دنبال کند، مذاکره کردند؛ اما کری خواسته فیصل مبنی بر توقف مذاکرات تا تضمین تهران برای توقف نفوذ منطقه‌ای‌اش را رد کرد. فیصل حتی پیشنهاد داد که توافق حداقل برای شش ماه به تأخیر بیفتد تا عربستان در طول این مدت روی کاهش قیمت نفت کار کند تا به این ترتیب از نفت به‌عنوان سلاح در مذاکره با ایران استفاده کند تا ایران کاهش نفوذش در منطقه را بپذیرد. عربستان این خواسته را تحقق «امنیت منطقه‌ای» تعبیر می‌کرد که در حقیقت اساساً «امنیت عربستان» بود. کری با این پیشنهاد موافقت کرد که سبب شد توافق به تأخیر بیفتد و قیمت نفت در بازارهای جهانی تا سطح ۳۵ دلار کاهش یابد، اما ایران بر مواضع خود پافشاری کرد و توافق شد تا مذاکرات تا ابعاد امنیتی و نظامی در مراحل بعد ادامه یابد (صدقیان، ۱۳۹۸). حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۹/۱۳ در بیست و ششمین همایش ملی بیمه و توسعه در این زمینه می‌گوید: «ما در سال ۱۳۹۳ می‌توانستیم به توافق نهایی برسیم اما تا ۹۴ به تأخیر افتاد و دلیل آن فشار عربستان و صهیونیست‌ها بود؛ وزیر خارجه عربستان و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به وین رفتند تا تأخیر بیندازند. آنجا به امریکا قول دادند تا جایی قیمت نفت را پایین بیاورند که ایران به هر چیزی تن دهد و قیمت نفت را از ۱۱۲ دلار به ۸۰ دلار، ۷۰ دلار را تا زیر ۳۰ دلار رساندند و گفتند ایران دیگر نمی‌تواند کشورش را اداره کند. ما ایستادگی کردیم و تا اواخر سال ۹۳ و اوایل ۹۴ توانستیم کشور را حفظ



کنیم و تورم را پایین بیاوریم و در ۹۴ تورم را تک رقمی کردیم و شرایط ما آرامش پیدا کرد؛ آن زمان متوجه شدند حرف عربستان و رژیم صهیونیستی درست نیست و در سال ۹۴ توافق را امضا کردند» (عصر ایران، ۱۳ آذر ۱۳۹۸).

مقامات عربستانی همواره از به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای ابراز نگرانی می‌کردند و بر محکومیت فعالیت هسته‌ای ایران، اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه با این کشور پافشاری می‌کردند و در این راه از تمامی ابزارهای خود بهره می‌گیرد. دولت عربستان به هر دستاویزی متوسل شد تا از پایان یافتن انزوای ایران جلوگیری کند و در این زمینه از هیچ توطئه‌ای دریغ نکرد که البته موفق نشد و توافق برجام^۱ میان ایران و کشورهای ۵+۱ بسته شد.

پس از توافق ایران و ۵+۱ نیز ملک سلمان پادشاه عربستان با اکراه آن را پذیرفته و ابراز امیدواری کرد که این توافق موجب تقویت امنیت و ثبات در منطقه و جهان شود. با وجود این، ناخرسندی مقامات عربستان نسبت به این توافق همچنان ادامه داشت. طوری که شاهزاده بندر بن سلطان رئیس سابق دستگاه اطلاعات عربستان و سفیر اسبق این کشور در امریکا در واکنش به توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ گفت که این توافق به ایران اجازه دستیابی به بمب هسته‌ای و نابودی منطقه را خواهد داد. وی حتی به‌نوعی امریکا را تهدید کرده و گفت: «پس از توافق صورت گرفته ۵+۱ اعراب از امریکا دور خواهند شد» (صداقت، ۱۳۹۵: ۴۳). روزنامه العربیه عربستان در مخالفت با توافق هسته‌ای می‌نویسد: «توافق هسته‌ای تهاجم به منافع اعراب است و باعث رقابت هسته‌ای در منطقه می‌شود» (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۹۲).

در مجموع، باید گفت علی‌رغم اینکه ایران بارها اعلام کرد که برنامه هسته‌ای کشورمان صلح‌آمیز بوده و فاقد هرگونه تهدیدی برای همسایگان است، در مقابل عربستان از همان ابتدا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران برداشت مثبتی نداشت. نخبگان سیاسی عربستان آن‌چنان که آقای ظریف وزیر امور خارجه کشورمان (در گفت‌وگو با شبکه الجزیره در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸) بیان داشت: «از همان ابتدا از توافق هسته‌ای خشنود نبودند. جامعه بین‌الملل باور دارند که این توافق، یک دستاورد منحصر به فرد و تاریخی (در عرصه) دیپلماسی است.» به نظر او این کشورها دارای تمایلات دیگری بوده و به دنبال این بودند که ایران را «امنیتی» کرده و آن را به‌عنوان یک «تهدید» نشان دهند که در واقع نبوده است (دیپلماسی ایرانی، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸). وزیر خارجه وقت عربستان حتی در فوریه ۲۰۱۰ با توجه به ناکارآمدی تحریم‌ها علیه ایران، خواستار راه‌حلی «فوری» برای مقابله با



برنامه‌های اتمی ایران شد (Aljazeera, 2010) و حتی بر اساس اسناد ویکی لیکس، خواهان حمله آمریکا به ایران بود (ازغندی و آقاعلیخانی، ۱۳۹۲: ۲۳۲).

تأثیر توافق هسته‌ای در تشدید تنش بین ایران و عربستان به حدی است که حتی برخی از کارشناسان مسائل بین‌المللی معتقدند آنچه که روابط ایران و عربستان را به سوی تنش پیش برد، توافق هسته‌ای اخیر اوباما با ایران بود؛ توافقی که برنامه‌های هسته‌ای ایران را در ازای رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران کاهش می‌داد (بروجردی، جام نیوز، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳).

در هر صورت، برجام علی‌رغم مخالفت آشکار چند کشور از جمله عربستان و رژیم صهیونیستی بین ایران و ۵+۱ به امضا رسید و تقریباً همه کشورهای دنیا به جز چند کشور اشاره شده با آن موافق بوده‌اند. ولی این کشورها که برجام را در راستای اهداف خود نمی‌دانستند بعد از امضای توافق نیز تمام تلاش خود را برای برهم زدن آن به کار بستند. طبق گزارش مفصل و سیزده هزار کلمه‌ای آدام انتوس در نشریه نیویورکر که با جزئیات به نقش حامیان مالی ترامپ در تعیین تمام‌وکمال سیاست‌های غرب آسیا می‌پردازد، از انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس تا تخریب توافق هسته‌ای با ایران را نشان داده است، همراهی دوتن از سران عرب خلیج فارس با ادلسون و نتانیاهو برای متقاعد کردن ترامپ برای خروج از برجام بود. در این همراهی بازهم ردپای شرکت‌ها و حامیان مالی انتخاباتی ترامپ به وضوح به چشم می‌خورد. از جمله با وساطت اریک پرینس، بنیان‌گذار و مدیر شرکت بلاک واتر که از حامیان مالی ترامپ و متحدان استیو بنون بود با محمد بن زاید، ولیعهد امارات متحده عربی بلافاصله بعد از انتخابات به نیویورک می‌آیند و با جارد کوشنر، استیو بنون و مایکل فلین، مشاوران ارشد ترامپ دیدار می‌کنند و ضمن درخواست لغو برجام، همان حرف نتانیاهو را مبنی بر اینکه «مشکل اصلی ایران است و نه اسرائیل» تکرار می‌کنند. بن زاید مقدمات اتصال محمد بن سلمان، نایب ولیعهد وقت عربستان به مقامات دولت ترامپ را نیز فراهم می‌کند و پس از سفر ترامپ به عربستان، به‌عنوان اولین سفر خارجی وی، عملاً مثلث نتانیاهو، بن سلمان و بن زاید ضداً ایران شکل می‌گیرد؛ مثلثی که در ۹ آوریل ۲۰۱۸ و با انتصاب جان بولتون به‌عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا تبدیل به تیم "ب" شد و نتیجه‌اش اعلام خروج ترامپ از برجام در هشتم آوریل ۲۰۱۸ بود (میریوسفی، ۱۳۹۸).

در ذیل به برخی از علل مخالفت عربستان با برنامه مسالمت‌آمیز هسته‌ای ایران و تلاش برای امنیتی‌سازی آن اشاره می‌شود:



برخی از کشورهای عربی از جمله عربستان در کنار رژیم صهیونیستی امیدوار بودند که بحران هسته‌ای ایران، این کشور را به‌مرور در ذیل فصل هفتم منشور به سرنوشت عراق دچار کرده و منجر به سرنگونی نظام این کشور و حتی فروپاشی ایران شود. ایران به‌علت جمعیت زیاد، گستردگی قلمرو جغرافیایی، تنوع آب‌وهوایی، جمعیت مستعد، دسترسی به آب‌های آزاد و منابع زیرزمینی غنی، ظرفیت ارتقای قدرت خود در زنجیره قدرت بین‌المللی را دارد. از این‌رو، همواره مورد رشک و نگرانی کشورهای منطقه بوده است؛ چراکه هیچ‌یک از این کشورهای منطقه از این نظر قابل مقایسه با ایران نیستند (ذاکر اردکانی، ۱۳۹۰: ۶۹). با وجود این ظرفیت‌ها در ایران همسایه‌های کشورمان به‌ویژه کشورهای عربی که از مؤلفه‌های قدرت ملی بی‌بهره هستند، در تلاش هستند از هر فرصتی برای تضعیف و نابودی این قدرت بهره ببرند و این تنها مربوط به دانش هسته‌ای ایران نیست؛ بلکه فناوری هسته‌ای بهانه‌ای برای نابودی قدرتی با چنین ویژگی‌هایی است و حتی برخی بر این باورند که «رقابت این دو کشور (ایران و عربستان) چیزی نیست که با مسئله اتمی حل‌وفصل شود» (بروجردی، جام نیوز، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳).

به باور برخی از تحلیلگران مسائل بین‌المللی حتی رئیس‌جمهور، وزارت دفاع و سازمان‌های اطلاعاتی و دموکرات‌های امریکا با نگاه به واقعیت‌های جاری در منطقه، جامعه جهانی و اوضاع داخلی این کشور، مخالف تشدید بحران تا نقطه جوش جنگ با ایران هستند. حتی در صورت بالاگرفتن منازعه، درگیری محدود را توصیه می‌کنند. اما گروه «ب» خواستار درگیری در سطح گسترده هستند؛ چراکه عربستان، رژیم صهیونیستی و امارات همواره با بزرگی سرزمین ایران دشمنی داشته‌اند و این دشمنی تنها به چهار دهه گذشته محدود نمی‌شود، بلکه پیش از آن نیز همواره چنین بوده‌اند. یکی از اهداف کلیدی تحمیل جنگ به ایران که از سوی رژیم «صدام حسین» و با حمایت مالی و لجستیکی برخی دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس انجام شد، کوچک کردن سرزمین ایران بود. سیاست دولت ترامپ، تسلیم کردن ایران در برابر خواسته‌های یک‌جانبه‌ای است که بیش از هر چیز مطالبات متحدان منطقه‌ای او را تأمین کند (خوش‌چهره، ۱۳۹۸).

در راستای تحقق این هدف بوده است که علی‌رغم توافق هسته‌ای بین ایران و «۱+۵» از همان روز آغاز به کار رئیس‌جمهوری امریکا، بازیگرانی چون: عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، رژیم صهیونیستی و برخی از مقامات تندرو در ساختار سیاسی امریکا این کشور را در مسیری قرار دادند که تنها راه مبارزه و کناررفتن ایران، برخورد جدی و عملیاتی کردن فشار حداکثری در قبال تهران است. لذا با روی کار آوردن مهره‌هایی مانند مایک پمپئو



به‌جای رکس تیلرسون و جان بولتون به‌جای فلین و مک مستر، ابتدا خروج از برجام و سپس اعمال مجدد تحریم‌ها را متناسب با این نگاه پی گرفتند» (بخشایش اردستانی، ۱۳۹۸).

حتی برخی از صاحب‌نظران معتقدند که تحریم‌های شدیدی که توسط دولت اوباما در سال ۲۰۱۲ به ایران تحمیل شد و بخش نفت و سیستم بانکی این کشور را هدف قرار داد، نقش مهمی در تصمیم ایران در مورد امضای توافق برجام داشت. با این شرایط، تحریم‌ها همه‌انگیزه ایران از پذیرفتن توافق برجام نبود. از زمان انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷)، اولویت نخست ایران بقای حکومت برآمده از انقلاب بوده است. در حالی که آمریکا از زمان بحران گروگان‌گیری در نوامبر سال ۱۹۷۹ (آبان ۱۳۵۸) به‌دنبال سیاست تغییر رژیم در ایران بوده است؛ یا حداقل حکومت ایران این‌گونه فکر می‌کند. این سیاست در دهه ۱۹۸۰ و در دوره دولت رونالد ریگان به‌شکل حمایت آمریکا از صدام در جنگ هشت‌ساله با ایران خود را نشان داد و با قانون سال ۱۹۹۶ تحریم ایران توسط دولت بیل کلینتون ادامه یافت. سیاست‌های ضدایرانی در دوره "جورج دبلیو بوش" و گنجاندن ایران در "محور شرارت" نیز در این راستا بود. در دوره اوباما اما دولت ایران تلاش کرد از اهرم برنامه هسته‌ای خود به‌عنوان ابزاری برای کشاندن آمریکا و کشورهای غربی به میز مذاکره استفاده کند. این نخستین قدم به‌سوی پذیرش رسمی مشروعیت حکومت ایران از سوی آمریکا بود. با انعقاد توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵، ایران امیدوار بود که آمریکا نهایتاً مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی ایران را بپذیرد و تلاش‌های خود در جهت براندازی این کشور را متوقف کند. اما خروج آمریکا از برجام به دستور ترامپ، به این معنی است که بار دیگر سیاست تغییر رژیم را در دستور کار خود قرار داده است (کابالان، ۱۳۹۷). هدفی که عربستان و رژیم صهیونیستی با تلاش برای خروج ترامپ از برجام، در پی آن بودند.

– برداشت احتمال دستیابی ایران به سلاح اتمی

«توسل به خشونت همواره یک ویژگی مهم نظام بین‌المللی بوده و همچنان می‌باشد. اگرچه فیلسوفان، مصلحان و مورخان مشروعیت زور به‌عنوان ابزار سیاست خارجی را تقبیح می‌کنند، ولی کسانی که مسئول تصمیمات سیاست خارجی هستند به‌ندرت این مشروعیت را مورد تردید قرار داده‌اند» (هالستی، ۱۳۸۸: ۴۶۹، ۴۷۲). اسلحه به‌عنوان ابزار اعمال خشونت برای کسب امنیت، همیشه مطرح بوده است. هرچند ممکن است این ابزار نظامی برای تأمین امنیت، اولین ابزار نباشد؛ ولی مسلماً برترین ابزار خواهد بود.

در این میان «سلاح‌های گرماهسته‌ای و سامانه‌های موشکی بالستیک دوربرد با انواع قبلی، صرفاً جنبه کمی ندارد؛ آنها ویژگی‌های کیفی نیز دارند که بر نظام بین‌المللی،



واحدهای عضو آن و ماهیت روابط میان آنها اثر مهمی خواهد داشت. آشکارترین ویژگی سلاح‌های هسته‌ای قدرت بالای تخریبی آنها است. با به وجود آمدن موشک‌های بالستیک دوربرد دقیق، برای حمل سلاح‌های هسته‌ای از یک قاره به قاره دیگر، فضا و زمان که در گذشته حفاظی در برابر حمله‌های غافل‌گیرانه نابودکننده بودند در عصر موشک‌های هسته‌ای، تقریباً همه ارزش دفاعی خود را از دست داده‌اند» (هالستی، ۱۳۸۸: ۴۷۵ و ۴۷۶).

عربستان به‌عنوان رقیب ایران در منطقه همواره از افزایش جایگاه ایران در نظام بین‌الملل در نتیجه افزایش قدرت نظامی و اقتصادی همواره نگران بوده است. به‌صورت آشکار می‌توان دریافت که افزایش قدرت ایران موجب به هم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به‌نفع ایران خواهد شد. از این‌رو، آنها همیشه - به‌زعم خود - از احتمال دست‌یافتن ایران به سلاح هسته‌ای به‌شدت نگران بوده و احساس تهدید می‌کنند.

سعود الفیصل وزیر امور خارجه وقت عربستان در ژانویه ۲۰۰۶ به روزنامه تایمز چنین گفت: «ما از ایران می‌خواهیم که موقعیت ما در خلیج فارس را در نظر گرفته و به‌عنوان بخشی از خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای و عاری از سلاح‌های کشتار جمعی عمل کند. امیدواریم که آنها در این سیاست به ما بپیوندند و به ما اطمینان بدهند که هیچ‌گونه تهدید جدیدی در زمینه مسابقه تسلیحاتی در منطقه رخ نخواهد داد» (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان، در تاریخ ۹۶/۱۳ در پارلمان اروپا حاضر شد و گفت: «ما ملاحظاتی درباره توافق هسته‌ای ایران داریم. این شرط که ایران اجازه غنی‌سازی دارد، مسئله‌ای خطرناک است و ایران می‌تواند سلاح اتمی بسازد. این توافق ضعیف است و باید شامل نقاط غیراعلامی هم بشود. زیرا برخی مکان‌هایی که ایران برای برنامه هسته‌ای استفاده می‌کند، مخفی است و روشن نیست.» ملک سلمان پادشاه عربستان طی سخنانی در سی و نهمین نشست شورای همکاری خلیج فارس در آذرماه ۱۳۹۷ پس از متهم نمودن ایران به دخالت در امور دیگر کشورها گفت: «باید تضمین‌های کاملی درباره برنامه هسته‌ای و موشکی ایران ارائه شود» (عصر ایران، ۱۸ آذر ۱۳۹۷).

محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان در این زمینه می‌گوید: «ما اهداف آنها (ایران) را می‌دانیم. آنها به‌دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای هستند و اگر به آن دست پیدا کنند، هرگونه خود بخوانند در خاورمیانه عمل کرده و در صورت لزوم از آن استفاده خواهند کرد» (Ben Hubbard; 2018, 1). وی در مصاحبه‌ای با شبکه خبری سی.بی.اس.نیوز با هدف ترغیب کشورهای غربی برای تشدید فشار بر ایران، تهدید کرد: «اگر ایران بخواند سلاح اتمی درست کند، عربستان هم همین کار را خواهد کرد» (Reif, 2018, 1). وی



همچنین در سفر به آمریکا در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی این کشور در پاسخ به این سؤال که آیا کشورش برای مقابله با ایران به سلاح‌های هسته‌ای نیاز دارد، گفت: «عربستان قصد دستیابی به بمب هسته‌ای ندارد، اما بدون شک اگر ایران در ساخت بمب هسته‌ای پیشرفت کند، دولت سعودی نیز در اسرع وقت این مسیر را خواهد پیمود» (ایرنا، ۲۸ فروردین ۱۳۹۸). محمد بن سلمان در تلاش برای برهم‌زدن برجام می‌گوید: «توافق کنونی باید با توافقی جایگزین شود که اطمینان دهد هرگز ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد» (Ben Hubbard; 2018, 1).

نتیجه اینکه: احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ریاض را می‌ترساند و بخش زیادی از جنجال عربستانی‌ها و ادعای دست‌یافتن به سلاح هسته‌ای برای آن است که توجه آمریکا را به دغدغه‌های امنیتی‌شان جلب کند (لوییس، ۱۳۹۴).

– نگرانی از ارتقای جایگاه ایران در جهان

در دنیای کنونی صرف داشتن دانش هسته‌ای نیز خود ابزاری مهم برای افزایش قدرت محسوب می‌گردد. به‌گفته فردوسی طوسی «توانا بود هر که دانا بود» یا آل‌وین تافلر که می‌گوید «دانایی قدرت است». بدون تردید، داشتن دانش و فناوری پیچیده هسته‌ای ابزار بسیار مناسبی برای ارتقای قدرت فناورانه کشورها است و شاید بتوان گفت از خود سلاح هسته‌ای نیز بهره بیشتری برای کشورها دارد. به‌عنوان مثال: ژاپن دارای سلاح هسته‌ای نمی‌باشد ولی دارای دانش هسته‌ای بوده و از آن در حوزه‌های مختلف از جمله پزشکی، کشاورزی، انرژی و... از آن استفاده می‌کند؛ ایران با همت دانشمندان جوان خود این فناوری را به دست آورده است و قدرت‌های غربی که در ابتدای کار حاضر به شناسایی این حق برای ایران نبودند، با این بهانه که ایران دارای منابع گسترده هیدروکربن است و چه نیازی به انرژی هسته‌ای دارد، در نتیجه مقاومت ملت ایران، مجبور به شناسایی حق استفاده ایران از دانش و انرژی هسته‌ای شدند.

در کنار ارتقای سطح دانش و فناوری ایران، مسئله هسته‌ای و توافق بعد از آن، جایگاه بین‌المللی این کشور را ارتقا داده است. از این‌رو، عربستان به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران با آن مخالفت می‌کند و تهدید می‌نماید در صورتی که جلوی برنامه هسته‌ای ایران گرفته نشود، آن کشور نیز برنامه کسب و توسعه توانمندی‌های هسته‌ای را در دستور کار خود خواهد داشت. اکونومیست در گزارشی در این زمینه نوشت: «برنامه هسته‌ای عربستان فقط از جهت رقابت با ایران است و در نهایت منطقه را به مسابقه تسلیحات هسته‌ای می‌کشد. ایران رقیب منطقه‌ای عربستان تا این لحظه در این زمینه یک گام از عربستان جلوتر است. در توافق هسته‌ای به ایران اجازه داده شده است که اورانیوم را غنی‌سازی کند. بحث



برانگیزترین مفاد برجام هم همین ماده است که در ازای آن ایران توافق کرده سانتریفیوژهایش را که برای غنی‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد را انبار کند و اورانیوم را صرفاً به اندازه‌ای غنی‌سازی کند که پایین‌تر از سطح موردنیاز برای ساخت بمب هسته‌ای است. منتها ایران فناوری غنی‌سازی اورانیوم را برای خود حفظ کرده است. عربستان هم خواستار آن است که این تکنولوژی را داشته باشد. عربستانی‌ها برنامه هسته‌ای را فقط برای عقب نماندن از ایران می‌خواهند» (عصر ایران، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶). مقامات عربستانی به این نکته واقف هستند که دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای، موازنه قدرت در منطقه خلیج فارس را به نفع ایران تغییر خواهد داد. از این رو، امضای توافقنامه هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های بین‌المللی در وین در ژوئیه ۲۰۱۵ هدف انتقاد جدی عربستان قرار گرفت (هوشی سادات، ۱۳۹۶: ۲۷۸).

دو دلیل را می‌توان برای هسته‌ای شدن عربستان ارائه کرد: نخست اینکه غرب آسیا به سرعت در حال هسته‌ای شدن است و به نوعی می‌توان گفت که داشتن انرژی هسته‌ای برای یک کشور در خاورمیانه اعتبار و پرستیژ خاصی را به ارمغان می‌آورد. برای مثال، ایران، امارات، مصر، ترکیه و اردن از جمله کشورهایی هستند که نیروگاه هسته‌ای دارند و یا در حال ساخت این نیروگاه هستند. عربستان می‌خواهد توانایی غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود را به دست آورد تا در صورت مسلح شدن احتمالی ایران به سلاح هسته‌ای در آینده، بتواند به سرعت به سمت دارا شدن سلاح هسته‌ای از این طریق برود. به طور کلی، این کشور نمی‌خواهد از دیگر کشورهای غرب آسیا به‌ویژه رقیب سنتی خود ایران، عقب بماند (اسماعیلی نجار، ۱۳۹۷). مصداق آن نیز می‌تواند اختلاف این کشور با آمریکا در زمینه همکاری هسته‌ای باشد. سیاست آمریکا در طول تمام این سال‌ها بر این پایه استوار بوده است که به هیچ کشوری غنی‌سازی را اجازه ندهد. ایران به واسطه برجام از محدود کشورهای است که از این قاعده مستثنا شده است. به همین دلیل، به رسمیت شناختن غنی‌سازی ایران در برجام از دستاوردهای مهم برجام برای این کشور بوده است. برای اعمال این سیاست، آمریکا قانون موسوم به ۱۲۳ را تصویب کرد که در آن شروط متعددی برای انعقاد قرارداد همکاری هسته‌ای با دیگر کشورها تعبیه شده است که از جمله شرط عدم غنی‌سازی در کشور طرف معامله است. اما عربستان اعلام کرده که در زمینه هسته‌ای خواهان حقوقی برابر با ایران است؛ یعنی غنی‌سازی در خاک خود و همین مسئله موجب شده تا دو کشور نتوانند موفق به انعقاد قرارداد همکاری هسته‌ای بشوند (اسماعیلی نجار، ۱۳۹۸: ۱).

در مجموع، نگرانی اصلی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان این است که حل‌وفصل



مذاکرات هسته‌ای سبب خواهد شد که امریکا هم اقتدار منطقه‌ای ایران و هم مسئله هسته‌ای این کشور را بپذیرد (بروجردی، جام نیوز، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳). در تصور نخبگان سیاسی عربستان، ایران با امضای برجام با قدرتهای جهانی نه تنها از انزوا خارج شد، بلکه از پتانسیل بین‌المللی آزاد شده خود در منطقه بهره گرفت و چنانچه تحول یادشده به احیای اعتبار بین‌المللی این کشور بیانجامد، عربستان بی‌شک آن را ضربه‌ای به جایگاه انحصاری خود در منطقه به‌عنوان متحد اصلی امریکا تفسیر خواهد کرد (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۰۸ به نقل از Alraseed, 2015: 38).

– نگرانی از نزدیکی احتمالی ایران و امریکا (ذهنیت جایگزینی)^۱

جابه‌جایی در یارگیری‌ها و اتحاد همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران خارجی کشورها می‌باشد. این وضعیت در غرب‌آسیای کنونی که دارای ساختار منطقه‌ای بی‌قاعده می‌باشد، احتمال دارد یک کشور را در معادلات موازنه قدرت منتفع و یا متضرر نماید. به‌گفته لوسون «در خاورمیانه تلاش‌های یک قدرت برای بهبود روابط با رقیب احتمالاً به تحریک متحدان برای ترک اتحاد می‌انجامد» (فاست، ۱۳۹۶: ۴۱). در چنین شرایطی، دوری و نزدیکی به بزرگترین بازیگر فرمانطقه‌ای در غرب‌آسیا از اهمیت شایانی برای کشورهای منطقه برخوردار است؛ کشوری که دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس وابسته به آن بوده و برای حفظ موجودیت خود تن به پیمان‌های نظامی با آن داده‌اند و امریکا در این کشورها پایگاه نظامی دارد. وابستگی این کشورها به امریکا و استفاده از قدرت آن برای متعادل کردن قدرت منطقه‌ای ایران، نقطه اطمینان این کشورها به حساب می‌آید و هرگونه تغییری در آن، یک از مهمترین نگرانی‌های آنها می‌باشد.

به‌دنبال اعلام دولت اوپاما مبنی بر اینکه امریکا تعهداتی بیش از حد ضرورت در خاورمیانه بر عهده گرفته و چرخش این کشور به سوی شرق و کاستن از تمرکز بر این منطقه (Gause, 2015) از یک طرف و سخنان اوپاما خطاب به مقامات عربستانی مبنی بر اینکه «این کشور نمی‌تواند وزن و نفوذ منطقه‌ای ایران را نادیده بگیرد» این ذهنیت را در مقامات عربستانی ایجاد کرده است که احتمال نزدیکی ایران و امریکا وجود دارد. البته اگر امریکا و ایران زمینه‌ای برای مشارکت بیابند، هیچ بازنده‌ای وجود نخواهد داشت. ولی برخی از کارشناسان بر این باور هستند که «این بدان معنی نیست که همه فریاد شادی سر خواهند داد. احتمال دارد عربستان بترسد که یک ایران باثبات و مرفه به‌عنوان محبوب واشنگتن در منطقه جانشین آن کشور گردد. همچنین در صورتی که ایران بتواند از قید تحریم‌ها آزاد شود و بتواند نقش دیرینه خود را به‌عنوان مرکز بازرگانی منطقه از سر گیرد،

1. Substitution mentality



دبی اهمیت تجاری خود را از دست خواهد داد» (کینزر، ۱۳۹۰: ۳۶۶). *Archive of SID*

نزدیکی ایران و امریکا به‌طور سنتی موجب هراس حاکمان عربستانی بوده است (هوشی سادات، ۱۳۹۶: ۲۸۰). در این دهه یکی از نگرانی‌های اصلی عربستان، تلاش ایران برای حل‌وفصل مسأله‌آمیز مسئله هسته‌ای از طریق مذاکره با امریکا بود. مقامات عربستان تصور می‌کردند حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای باعث نزدیکی ایران و امریکا شده و این عمل تهدیدی برای روابط راهبردی واشنگتن و ریاض خواهد بود و امنیت عربستان را به خطر خواهد انداخت. به همین دلیل به‌همراه رژیم صهیونیستی با توسل به انواع شیوه‌ها و ترفندهای سیاسی و اقتصادی درصدد تخریب و به‌هم‌زدن مذاکره بین ایران و امریکا از یک طرف و ایران و ۵+۱ از طرف دیگر، برآمدند. مقامات عربستانی معتقدند که هرگونه نزدیکی بین ایران و غرب با محوریت امریکا، تهدیدی برای روابط راهبردی سنتی عربستان و امریکا است و امنیت رژیم سعودی را با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو خواهد کرد (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۱۰۲). به‌گفته جفری فلتمن پژوهشگر مؤسسه بروکینگز، مذاکرات هسته‌ای نه‌تنها این تصور را پیش می‌آورد که امریکا دارد از منطقه عقب‌نشینی می‌کند، بلکه این را دامن می‌زند که این کشور دارد به هم‌پیمانان خود خیانت می‌کند. مقامات عربستانی همواره به این توافق به‌عنوان فصل مبادله نگاه می‌کردند و نگران بودند که این توافق نشانه آغاز اتحاد بین واشنگتن و تهران باشد (بروجردی، جام نیوز، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳). به‌ویژه وقتی که بیاناتی از مقامات امریکا در زمینه لزوم توجه به شرق و عدم تمرکز بر غرب آسیا و همکاری در ترتیبات امنیتی منطقه شنیده می‌شد؛ اوباما طی مصاحبه‌ای با اشاره به عربستان و ایران از ضرورت یافتن راهکاری مؤثر برای شریک شدن در منطقه و ایجاد نوعی صلح سرد سخن گفته بود (Goldberg, 2016).

ولی رضانصر رئیس «مؤسسه مطالعات پیشرفته بین‌المللی» در دانشگاه جان هاپکینز واشنگتن و یکی از اعضای ارشد حوزه سیاست خارجه در مؤسسه بروکینگز امریکا اعتقاد دارد که «عربستانی‌ها از معامله هسته‌ای ایران و امریکا بسیار ناخشنود هستند. تصمیم امریکا برای مذاکره با ایران، گویای آن بود که دیگر تمایل ندارد از استراتژی دیرینه عربستانی‌ها مبنی بر منزوی ساختن ایران تبعیت کند. پیش‌تر نیز مهارکردن ایران برای عربستانی‌ها به اندازه کافی سخت بود، اما با آغاز تلاش ایران برای ایجاد پایگاه‌هایی در عراق، سوریه و یمن، این کار دشوارتر هم شده است».

روزنامه نیویورک تایمز طی گزارشی در خصوص چرایی تشدید دشمنی با ایران توسط بن سلمان می‌نویسد: «رقابت با ایران در ارتباط عربستان با امریکا نیز بوده است. هرگونه احتمال بهبود روابط میان امریکا و ایران مانند توافق هسته‌ای بی‌کی که در دوران اوباما منعقد



شد، باعث افزایش بدگمانی و ترس عربستان از موقعیت خود به‌عنوان مشتری اصلی آمریکا در منطقه می‌شود. عربستان و ایران در طول جنگ سرد در همکاری با آمریکا رویارویی با اتحاد جماهیر شوروی را پذیرفتند و تقسیم وظایف را قبول کردند؛ ایران قابلیت‌های نظامی را فراهم می‌کرد و عربستان نیز کمک‌های مالی را علیه اتحاد جماهیر شوروی تأمین می‌کرد. با این حال عربستان در آن زمان نیز بدترین کابوسی که داشت، ترس از پایان حمایت آمریکا از آن کشور به‌عنوان شریکی منطقه‌ای بود» (Ben Hubbard; 2018, 1). اکنون نیز آغاز گفت‌وگوهای هسته‌ای آمریکا و ایران در عمان به‌مثابه تحولی تصور می‌شد که می‌تواند مناسبات امنیتی و راهبردی منطقه غرب‌آسیا را به‌نحوی دگرگون کند و تهران را به قدرت منطقه‌ای محوری تبدیل کرده و نفوذ آن کشور در منطقه را تقویت کند. از این رو «عربستان از بازصف‌بندی آمریکا در خلیج فارس بیمناک است» (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۱۱ به نقل از Schenker, 2016). از نظر مقامات عربستان امضای توافق برجام، به‌معنای این است که آمریکا «در حال ترک نقش تاریخی خود به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت خلیج فارس به‌سود ترتیبات جدیدی با ایرانی غیرسازنده» است (احمدیان، ۱۳۹۵، به‌نقل از Hanneh, 2016).

در مجموع، به‌دنبال اعلام دولت اوباما مبنی بر اینکه آمریکا تعهداتی بیش از حد ضرورت در غرب‌آسیا بر عهده گرفته و چرخش این کشور به‌سوی شرق و کاستن از تمرکز بر غرب‌آسیا در کنار توافق هسته‌ای موجب شد که برخی این‌گونه تصور کنند که چشم‌انداز کلی این کشور درمورد ایران نیز تغییر کرده است. از نظر آنها برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و شش قدرت بزرگ غربی به‌معنای نزدیکی بالقوه آنها به ایران است و یک اثر زنجیروار بر کل غرب‌آسیا داشته است. آمریکا و اروپا تمایل دارند شاهد پیوستن ایران به جامعه بین‌المللی باشند، اما کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و سایر کشورهای منطقه همچنان از افزایش برتری ایران در سطح منطقه بیمناک هستند. این توافق، تنش بین ایران و عربستان به‌عنوان رقبای سنی و شیعه در غرب‌آسیای بزرگ را افزایش داده است (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶). وزیر امور خارجه امارات متحده عربی که دوشادوش عربستان به اقدامات خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، در زمان مذاکرات هسته‌ای به جان کری می‌گوید که «ما را دارید به ایران می‌فروشید و ایران با داشتن حق غنی‌سازی را به رسمیت می‌شناسید و ما راهی جز سرنگونی جمهوری اسلامی نداریم».

این در حالی است که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آقای دکتر ظریف با تأیید وجود این ذهنیت در اعراب به‌ویژه مسئولان عربستان، می‌گوید: «به‌محض پایان



مذاکرات هسته‌ای در زمانی که کشورهای همسایه ما از نزدیکی امریکا به ایران نگران بودند و رسماً در صحبت‌های خودشان شکایت می‌کردند از اینکه این کشور سرزمین ما را انتخاب کرده و آنها را کنار گذاشته، ما از هرگونه مذاکره با ایشان درمورد منطقه امتناع کردیم و گفتیم که باید مذاکره ما درمورد منطقه با دیگر کشورهای منطقه باشد و همان زمان ما اعلام کردیم که آماده گفت‌وگو با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستیم» (قهرمانی، ۱۳۹۸: ۱).

- جلوگیری از فعالیت‌های فرامرزی ایران

عربستان از فعالیت‌های منطقه‌ای و حمایت ایران از دولت منتخب مردم عراق، دولت قانونی سوریه، مبارزه مردم یمن علیه استبداد داخلی و دخالت‌های خارجی و قیام مردم بحرین علیه رژیم آل خلیفه را دخالت در امور کشورهای عربی تلقی کرده و امیدوار بود پس از فشارهای غرب و در رأس آن امریکا، ایران از یکی از اهداف سیاست خارجی خود که همانا حمایت از ملل مسلمان در مبارزه علیه استکبار و استبداد باشد را کنار بگذارد. به بیانی دیگر از آرمان‌های و ارزش‌های انقلابی خود دست بردارد که این‌گونه نشده است.

الجبیر وزیر خارجه عربستان در خصوص توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ می‌گوید: «این توافق برای تغییر رفتار ایران کافی نیست... ما به ایران می‌گوییم که کافی است و انقلاب تمام شده است». وی همچنین در جایی دیگر گفت: «رژیم ایران، رژیمی خطرناک است... ایران به توسعه داخلی خود توجهی نمی‌کند... پولی که از طریق توافق هسته‌ای به دست می‌آورد، در دیگر نقاط مثل سوریه و یمن و بحرین هزینه کرده است و جسارت آن روزانه بیشتر می‌شود.» وی همچنین گفت: «توافق هسته‌ای رفتارهای ایران را تغییر نمی‌دهد و دخالت‌ها و تهدیدهای آنان در منطقه را متوقف نکرد» (عصر ایران ۳ اسفند ۱۳۹۶).

ترکی فیصل رئیس پیشین دستگاه اطلاعاتی عربستان در گفت‌وگو با نشریه اماراتی «نشال» دربارهٔ برجام و موافقت خود با ترامپ رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر لزوم مذاکره مجدد برای تضمین ادامه محدودیت‌های آن در طولانی‌مدت گفت: «هنگامی که بحث توافق هسته‌ای پیش می‌آید، ۱۵ سال (مدت قرارداد امضا شده در سال ۲۰۱۵) زمانی بسیار سریع در تاریخ یک کشور است. کشورهای منطقه نیاز به تضمینی دارند که پس از آن دوره همراه با برنامه هسته‌ای ایران و سطوح غنی‌سازی، تهدیدی رخ ندهد» (Parsnews, 1,9,1396).

- نگرانی از تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای

سقوط صدام و تشکیل حکومتی با اکثریت شیعه در عراق نه تنها تهدیدی به نام عراق



بررسی علل تلاش عربستان برای امنیت‌سازی فعالیت‌آمیز هسته‌ای ایران / محمدصادق کوشکی...

برای ایران از بین رفت بلکه مهارکننده قدرت منطقه‌ای ایران و به‌گفته وفاق‌اسامرای حافظ دروازه‌های شرقی اعراب نیز فرو پاشید. ریچارد هاس در مقاله‌ای در فارین افیرز تحت‌عنوان «خاورمیانه جدید» می‌نویسد: با تغییر موازنه قدرت در غرب‌آسیا و خلیج فارس و به وجود آمدن عنصر شیعی در عراق و پیروزی حزب‌الله در لبنان، افول قدرت امریکا آغاز شده و این ترس کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و اقتدارگرایان سنی عرب را برانگیخته است (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۲). در نگاه مقامات عربستانی «افزایش قدرت ایران سبب بسیج سیاسی شیعیان در درون کشورهای واجد حکومت‌های سنی در خلیج فارس خواهد بود» (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۱۱ به نقل از Gause, 2013).

در تصور نخبگان سیاسی عربستان ایران به‌وسیله امضای برجام با قدرتهای جهانی نه‌تنها از انزوا خارج شد بلکه از پتانسیل بین‌المللی آزاد شده خود در منطقه بهره گرفت. به این معنا که چنانچه تحول یادشده به احیای اعتبار بین‌المللی ایران بینجامد، عربستان بی‌شک آن را ضربه‌ای به جایگاه انحصاری خود در منطقه به‌عنوان متحد اصلی امریکا تفسیر خواهد کرد (احمدیان، ۱۳۹۵ به نقل از Alraseed, 2015: 38).

در هر صورت، در شرایط جدید عربستان به‌عنوان رقیب ژئوپلیتیک ایران، تصور می‌کند که توازن قدرت منطقه‌ای به زیان آن کشور در حال پیش رفتن است. در ۲۰ اکتبر سعود الفیصل وزیر امور خارجه وقت عربستان در شورای روابط خارجی امریکا نگرانی خود را از موقعیت بهتر ایران در عراق بعد از صدام این‌گونه ابراز می‌دارد: «اکنون ایرانیان به این عرصه آرامی که امریکاییان به آن ثبات بخشیده‌اند وارد می‌شوند. آنها به سراغ حکومت عراق می‌روند و با پرداخت پول طرفداران خود را روی کار می‌آورند. نظامیان و شبه‌نظامیان خود را سر کار می‌گذارند، حتی برای آنها پلیس ایجاد می‌کنند و حضور خود در این عرصه را تقویت می‌کنند. همچنین نیروهای بریتانیایی و امریکایی نیز در انجام این کار از آنها حمایت می‌کنند. ما جنگ را با هم برای جلوگیری از تسلط ایران بر عراق پس از اشغال کویت شروع کردیم ولی هم‌اکنون کل کشور عراق را بدن هیچ دلیلی به‌دست ایرانیان دادیم.» وی در مصاحبه دیگر ابراز نگرانی می‌کند که: «ایران به‌دنبال اشغال همه کشورهای است و مسئله صلح و جنگ در برخی از کشورهای منطقه از جمله عراق به‌دست ایرانیان افتاده است» (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۳ و ۱۵۲). ملک عبدالله پادشاه عربستان نیز در این زمینه می‌گوید: «امریکا با سقوط صدام، عراق را در سینی طلایی به ایران تقدیم کرده است» (کوشکی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

هرچند عربستان قبل از حمله به عراق از ترس سقوط صدام و قدرت‌یابی شیعیان با حمله امریکا مخالفت کرد - که البته این‌گونه نیز شد - ولی پس از سرنگونی صدام سعی

می‌کند از حضور و قدرت امریکا برای مهار ایران در عراق استفاده کند. یکی از مسئولان ارشد عربستانی در این باره می‌گوید: «عربستان نگران خروج امریکا در عراق است زیرا که هیچ چیز نمی‌تواند قدرت ایران را در این کشور متوازن کند» (کوشکی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

نتیجه اینکه نخبگان عربستانی، پس از تحولات جدید در منطقه، غرب‌آسیایی را می‌بینند که به گفته: «ایتامار رابینوویچ سفیر اسبق رژیم صهیونیستی در امریکا، «ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی به‌عنوان قوی‌ترین کشورها مطرح هستند و هیچ‌یک از ۳ کشور قدرتمند در غرب آسیا عرب نیستند» (عصر ایران، آبان ماه ۱۳۹۸). حال اگر این قدرت از فناوری هسته‌ای نیز برخوردار باشد به‌طور حتم قدرت هژمون منطقه خواهد بود.

– بهانه‌ای به نام محیط‌زیست

یک دیگر از علل مخالفت عربستان با برنامه هسته‌ای ایران، نگرانی‌های زیست‌محیطی است. کشورهای حاشیه خلیج فارس ادعا می‌کنند در صورتی که حادثه‌ای برای نیروگاه اتمی بوشهر رخ دهد کشورهای حاشیه خلیج فارس آسیب‌های زیادی متحمل می‌گردند؛ به‌ویژه آنکه این کشورها جهت تأمین بخشی از آب شرب خود به خلیج فارس وابسته هستند. البته به نظر می‌رسد که عربستان سعی دارد نیروگاه بوشهر را ناامن جلوه دهد تا بدین وسیله، وحشت کشورهای منطقه و مردم غرب آسیا را از جمهوری اسلامی ایران برانگیزد. عربستان مدعی است «احتمال انفجار رآکتور هسته‌ای ایران در صورت راه‌اندازی آن بالا است و در این صورت منطقه خلیج فارس شاهد فاجعه‌ای به ابعاد فاجعه نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما خواهد بود و میلیون‌ها نفر در معرض آلودگی‌های رادیواکتیو قرار می‌گیرند» (صفاری انارکی، ۱۳۹۴: ۴۰).

در مقابل ادعاهای مقامات عربستان، جمهوری اسلامی ایران معتقد است که مخالفت‌های مقامات عربستان نه به خاطر نگرانی‌های زیست‌محیطی بلکه ترس مقامات عربستانی از افزایش قدرت شیعیان در منطقه غرب آسیا است و طرح مواردی همچون هلال شیعی، ایران‌هراسی، غیرصلح‌آمیز بودن مسئله هسته‌ای ایران، مسئله حقوق بشر و اتهام ترور سفیر عربستان در امریکا به ایران، در راستای نگرانی‌های خاندان آل‌سعود از قدرت‌یابی ایران در منطقه می‌باشد (صفاری انارکی، ۱۳۹۴: ۴۰).

نتیجه‌گیری

از اوایل قرن حاضر تاکنون دگرگونی‌هایی در سطح منطقه‌ای رخ داده است که موجب تغییر راهبرد محافظه‌کارانه عربستان در منطقه به حالتی تهاجمی به‌ویژه علیه جمهوری



اسلامی ایران شده است؛ سرنگونی رژیم صدام، تحولات پس از سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی، بروز جنگ داخلی در سوریه، قیام شیعیان بحرین و عربستان، سرنگونی رژیم علی عبدالله صالح و سپس عبد ربه منصور هادی در یمن و حاکم شدن انصارالله بر پایتخت این کشور، در کنار تقویت راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، توافق هسته‌ای ایران با غرب و حضور فعال این کشور در معادلات منطقه‌ای، نخبگان عربستانی را به این نتیجه رساند که موازنه قدرت منطقه‌ای به زیان عربستان تغییر یافته است. نخبگان سیاسی عربستان برایند تمامی این دگرگونی‌ها را گسترش قدرت ژئوپلیتیک، ایدئولوژیک و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران پنداشته و در مقابل، جایگاه رهبری و یکه‌تازی خود در منطقه به‌ویژه بعد از سقوط صدام و هژمونی بلامناع خود در شبه‌جزیره را در معرض خطر دیده‌اند. خاندان سعودی دست جمهوری اسلامی ایران را در پس تحولات خصمانه علیه خود در یمن، عراق، سوریه، بحرین و قیام شیعیان داخل عربستان و... می‌بینند. از این رو، علی‌رغم نگاه مقامات جمهوری اسلامی ایران از جمله فرمایش امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مبنی بر اینکه «فلان دولت در منطقه یا بیرون منطقه که حالا یک وقتی یک حرفی هم علیه ما بزند و یک چیزی هم بگوید را دشمن به حساب نمی‌آوریم»، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان تهدیدکننده اصلی امنیت (دشمن) و منافع وجودی و حیاتی خود تلقی می‌کند و به‌نوعی تحرکات، ارتباطات و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه را با بدبینی کامل می‌نگرد. عربستان این بازی ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک را بر اساس حاصل جمع جبری صفر می‌نگرد. بنابراین، هر اقدامی از سوی جمهوری اسلامی ایران را به‌مثابه اقدامی دشمنانه علیه خود تلقی نموده و از هر فرصتی برای تضعیف آن بهره می‌برد. از جمله این موارد، فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران است. عربستان از ابتدای رسانه‌ای شدن فعالیت هسته‌ای ایران در راستای امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران تلاش نموده است. این کشور اجماع قدرت‌های غربی در این زمینه را فرصتی دید تا رقیب منطقه‌ای خود را که به گمانشان در گوشه رینگ قدرت بازیگران بین‌المللی قرار گرفته است برای همیشه از میان بردارد، و در صورت عدم کامیابی در این زمینه، به‌زعم خود از دستیابی احتمالی ایران به سلاح اتمی و حضور فعال این کشور در منطقه به‌ویژه منطقه عربی که عربستان آنها را حیات خلوت خود می‌داند، جلوگیری نماید.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۴). سلفیه وهابی؛ تمایزهای هویتی عربستان سعودی و ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال شانزدهم، ش ۶۳.



- احمدیان، حسن (۱۳۹۵)، تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان، آورده‌های ملوک‌سلمان، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، ش چهارم.
- ازغندی، علیرضا، آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۲)، بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰ - ۱۳۸۴)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، ش ۲.
- اسماعیلی نجار، حمیدرضا (۱۳۹۷)، چرا عربستان نمی‌تواند خودش را با ایران مقایسه کند؟ قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1975607>
- اسماعیلی نجار، حمیدرضا (۱۳۹۸)، نکاتی درباره معامله هسته‌ای امریکا و عربستان، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1986419>
- ایرنا، ۲۸ فروردین ۱۳۹۸، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83282511>
- آقایی، سید داوود (۱۳۹۴)، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۹۸)، بولتون و پمپئو در حال محو شدن از سیاست ترامپ در تخاصم با ایران، دیپلماسی ایرانی ۱۳ شهریور، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1985964>
- بروجردی، مهرداد (۱۳۹۳)، جنگ سرد ایران و عربستان / امریکا تا دو سال آینده به ایران حمله نمی‌کند، قابل دسترسی در: <http://www.jamnews.com/detail/News/405372>
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)، چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۷)، تحول مواضع عربستان در قبال رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات فلسطین، ش ۳۱.
- پولاک، کنث (۱۳۹۸)، ترامپ به ایران چیزی را داد که خوابش را هم نمی‌دید، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1986641>
- تابناک، ۱۸ آبان ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/850001>
- جام نیوز، ۲۱ اسفند ۱۳۹۳، مقایسه حسنین هیکل درباره هخامنشیان و جمهوری اسلامی، قابل دسترسی در: <http://www.jahannews.com/analysis/412237>
- چرنوف، فرد (۱۳۸۸)، نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- خبرگزاری مهر، ۱۹ آذر ۱۳۹۸: <https://www.mehrnews.com/news/4794535>



- خوش‌چهره، جلال (۱۳۹۰)، ایران و امریکا؛ نزدیک به نقطه جوش، *دیپلماسی ایرانی*،
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1983141> قابل دسترسی در:
- ذاکر اردکانی، طاهره (۱۳۹۰)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ش ۶۷.
 - روزنامه شرق، ۲ آبان ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
<https://www.magiran.com/article/3974121>
- سیاری، حبیب‌الله (۱۳۸۸)، الگوی موازنه قدرت در راهبردهای امنیتی خلیج فارس، *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، ش ۱۴.
- شورمیج، محمد (۱۳۹۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر مناسبات عربستان با ایران در دهه نخست نظام جمهوری اسلامی (۱۳۶۸ - ۱۳۵۸)، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۰.
- صالحی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۴)، بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی بر اساس نظریه لاکلاتو و موفه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، ش دوم.
- صداقت، محمد (۱۳۹۷)، الگوی روابط ایران و عربستان، از رقابت تا خصومت، *فصلنامه پژوهش ملل*، دوره دوم، ش ۱۴.
- صدقیان، محمد صالح (۱۳۹۸)، *میانجی‌گری‌ها در حقیقت برای «امنیت اسرائیل» و «امنیت عربستان» است*، قابل دسترسی در: www.irdiplomacy.ir/fa/news/1984036
- صفاری انارکی، محمد (۱۳۹۴)، عوامل سبب‌ساز واگرایی در روابط ایران و عربستان با تأکید بر فاجعه منا، *پژوهش ملل*، ش ۳.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی‌ساختن، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۳.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۰)، *نظریه‌های امنیت*، ترجمه منیره آذری، انتشارات، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر تهران.
- عصر ایران (۱۳۹۴)، ۵۸ اتهام وزارت خارجه عربستان سعودی علیه ایران، ۱ بهمن ماه، قابل دسترسی در: <http://asriran.com/fa/news/445787/58>
- عصر ایران، ۱۸ آذر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/643907>
- عصر ایران، ۳ اسفند ماه ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/594537>
- عصر ایران، ۱۰ مهر ماه ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/691662>
- عصر ایران، ۱۲ شهریور ماه ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/687435>



- عصر ایران، ۱۳ آذرماه ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/701725>
- عصر ایران، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:
<http://www.asriran.com/fa/news/592237>
- عصر ایران، ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/698297>
- عصر ایران، ۲۷ فروردین ماه ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/663147>
- فاست، لوئیس (۱۳۹۶)، روابط بین‌المللی خاورمیانه، ترجمه احمد سلطانی‌نژاد، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
- قهرمانی، مصطفی (۱۳۹۸)، ایران و الگوی امنیت خلیج فارس، قابل دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1985480>
- کابالان، مروان، (۱۳۹۷)، چرا برجام منهای امریکا جذابیتی برای ایران ندارد؟، ۲۷ اردیبهشت، قابل دسترسی در:
<https://www.asriran.com/fa/news/609817>
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰)، زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس.
- کرمی، کامران (۱۳۹۸)، یمن؛ جبهه دوم حمله علیه ایران، قابل دسترسی در:
<https://donya-e-eqtesad.com/64/3310994>
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵)، تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان در قبال بحران‌های خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۲۱، صص ۱۰۹ - ۷۹.
- کوشکی، محمدصادق، محمدی، جواد (۱۳۹۴)، سیاست خارجی در غرب آسیا، چاپ اول، تهران انتشارات خرسندی.
- کینزر، استیون (۱۳۹۰)، صف‌آرایی جدید در خاورمیانه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر پیکان.
- لوییس، جفری (۱۳۹۴)، عربستان و سلاح هسته‌ای: نتوانستن یا نخواستن؟ ۲۵ خرداد، قابل دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1948789>
- لیستر، تیم (۱۳۹۸)، حمله به میدان نفتی عربستان، نقشه بازی در خلیج فارس را تغییر می‌دهد، ترجمه: بی‌نام، قابل دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1986302>
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۶، جنگ سرد ایران و عربستان، قابل دسترسی در:
<http://www.css.ir/fa/content/112615>
- مستقیمی، بهرام، ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس بعد از سال ۲۰۰۳، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶.



- میریوسفی، علیرضا (۱۳۹۸)، پشت پرده چگونگی شکل‌گیری تیم "ب" و توطئه‌های جدید علیه ایران، ۱۷ اردیبهشت ماه، قابل دسترسی در:
[irdiplomacy.ir/fa/news/1983268](https://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1983268)
- نادسن، اولاف (۱۳۸۶)، مطالعات امنیتی پساگپنهاگ: غیرامنیتی‌کردن، امنیتی‌کردن، ترجمه اصغر صارمی شهاب، فصلنامه امنیت سال پنجم، شماره ۳.
- ندیمی، رامین (۱۳۹۶)، جنگ سرد ایران و عربستان، قابل دسترسی در:
<https://www.magiran.com/article/3666070>
- نصر، ولی رضا (۱۳۹۸)، آینده روابط ایران و عربستان در گفت‌وگو با ولی نصر، قابل دسترسی در:
<http://www.dinonline.com/content/6829>
- نوریان، اردشیر (۱۳۸۷)، ادراک و اعتبارگرایی در نظریه‌های امنیتی، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال دوازدهم، ش پنجم.
- هالستی، کالوی یاکو (۱۳۸۸)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه مسعود طارم‌سری و بهرام مستقیم، انتشارات وزارت امور خارجه.
- هانتر، شیرین (۱۳۹۸)، با وجود امریکا بعید است ایران بتواند با کشورهای عربی خلیج فارس به مصالحه برسد، ۱۳ خرداد، قابل دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/ne392ws/1983869>
- های، کالین (۱۳۹۶)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل‌محمدی، نشر نی.
- هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۶)، دیالکتیک ایرانی، تاریخ تحلیلی روابط خارجی ایران در خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- هینه بوش، ریموند، احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمان قهرمان‌پور و مرتضی مسامح، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- Altamamy, saud Mousaed, 2012, Saudi Arabia and the Arabspring: opportunities and Challenges of security, Journal of Arabia studies, 2.2, p.121 – 156.
- Anderson, Tim, (2016), THE DIRTY WAR ON SYRIA, Global Research.
- Ben Hubbard, (2018), "Saudi Crown Prince, on U.S. Visit, Urges Tough Line on Iran" New York Times, March 27,2018. Available at <https://www.nytimes.com/2018/03/27/world/middleeast/mohammed-bin-salman-saudi-prince-interview.html?searchResultPosition=4>.
- Dary, Champion, (1999), the Kingdom of Saudi Arabia: Elements of instability within stability, Middle East Reviw of International affairs, 3,4 December.
- Gause, F. Gregory (2002), "The Foreign Policy of Saudi Arabia". In Caravan, the Washington Institute for Near East Policy, <http://www.>



Washington Institute.org/ policy - analysis/ view/the - shift - in - Saudi - foreign - policy.

- Gause, F. Gregory (Feb 2015), Saudi Arabia's Game of Thrones. Foreign Affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/saudi-arabia/2015-02-02/saudi-arabias-game-thrones>.

- Gause, F. Gregory. November 26, 2013. "Why the Iran Deal Scares Saudi Arabia," The New Yorker, <http://www.newyorker.com/news/newsdesk/why-the-iran-deal-scares-saudi-arabia>.

- Goldberg, Jeffrey. 2016. "The Obama Doctrine," The Atlantic, <http://www.Theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/>.

- Hannah, John, (2016), "Saudi Arabia Strikes Back," Foreign Policy, <http://foreignpolicy.com/2016/08/16/saudi-arabia-strikes-back-3/>.

- Iran sanctions raise Saudi doubts (16 Feb 2010), Aljazeera, at: <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2010/02/201021641617847397.html>.

- Niblock, Tim. 2006. Saudi Arabia: Power, Legitimacy and Survival, London and New York: Routledge Press.

- Parsnews, 1,9,1396, available at <https://www.parsnews.com> - ترکی- فیصل- 8/473818/ شرایط- برای- گفت- گو- با- ایران- مساعد- نیست

- Reif, Kingeston, (2018), Saudi Arabia Threatens to Seek Nuclear Weapons, Arm Control Association, available at <https://www.armscontrol.org/act/2018-06/news/saudi-arabia-threatens-seek-nuclear-weapons>.

- Schenker, David. February 10, 2016. "The Shift in Saudi Foreign Policy,"

- sputnik, (2019), Saudi Minister Adel al-Jubeir: 'Appeasing Iran' Fuels Tehran's 'Aggressive Behavior', 29.09.2019) available at <https://sputniknews.com/middleeast/201909291076914327>.

- the new geopolitics of the middle east; Americans rol in chanching region, (report) available at <https://www.brookings.edu/research/the-new-geopolitics-of-the-middle-east-americas-role-in-a-changing-region/>.

- Wæver, (2003). Securitization: Taking stock of a research program in security studies, Mimeo.

- Wæver, O. (1995). "Securitization and desecuritization", in: R. D. Lipschutz (ed.), On security, New York, Columbia University Press.

- Wynbrandt, James. 2004. A Brief History of Saudi Arabia. New York: Checkmark Books.

